بمناسبت بیستمین سال وفات علامه حبیبی:

یادداشتها در

تاریخ صنایع افغانستان



علامه عبدالحی حبیبی

باهتمام

داکتر خوشحال حبیبی و حبیب الله رفیع

۱۳۸۳

کتابشناسی:

نام کتاب : یادداشتها در تاریخ صنایع افغانستان

نگارش : علامه عبدالحی حبیبی

ناشر : مرکز تحقیقات علامه حبیبی



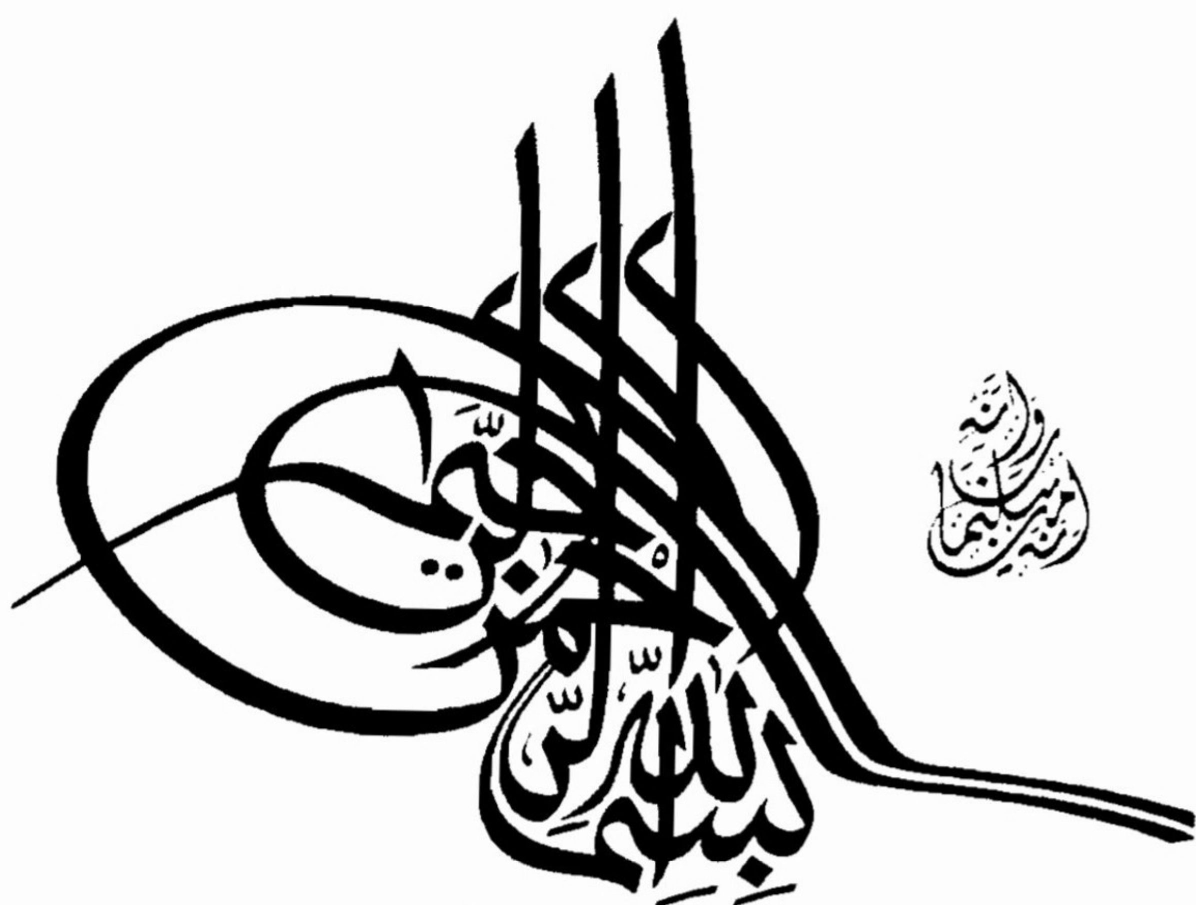
مهتمم : محمدنبی تدبیر

دیزاینر: محمدیوسف "ستانکزی"

جای طبع: مطبعه صنعتی احمد

تاریخ طبع: ۱۳۸۳ هـ ش / ۲۰۰۴ م

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه



فهرست

عنوان	صفحه

مقدمه

افغانسان کشور باستانییست که زندگییش در سه دورهء از هم مختلف مطالعه میشود:

یکی دورهء قبل از تاریخ است که انسانهای مغاره نشین در ان زندگی آغاز کرده و از پنجاه هزار سال بدینسو نمونه های صنایع، هنرها و کارهای ابتدایی شان بدست ما رسیده است، آنها در ابتدا ازسنگ افزار بسیار ابتدایی کار و شکار را ساخته و وقتیکه احتیاجات اولیهء زندگییشان بر آورده شده بعد از ان بر دیوارهای غارهای مسکونی خود رسمهای بسیار ابتدایی را کشیده که در شمال افغانستان در سمچهای خود در پهلوی نقاشیهای دیگر چهرهء سمارق مانند انسان رانیز کشیده و بهمین ترتیب آهسته، آهسته ظروف و افزار سنگی، گلی و باز برنجی و آهنی را ساخته و صنایع و هنرها را بشکل ابتدایی آن بوجود آورده است.

دوره‌ء دوم دوره‌ء نیمه تاریخی، افسانوی یا دوره‌ء سرودها است، این دوره چنان دوره‌ء خاص زندگی افغانستان است که در زندگی دیگر کشورها وجود ندارد، درین دوره خط هنوز ایجاد نشده بود اما در آریانا ریشیان (شاعران) با سرودن اشعار اخلاقی خود راهنمایی مردم رامیکردند و بشکل شفاهی دوره‌ء آموزش و پرورش آغاز گردیده بود.

دوره‌ء سوم دوره‌ء تاریخی کشور است که درین دوره خط ایجاد گردیده بود، شاه مدبر آریانا یما یا جمشید در بلخ پایتخت باستانی کشور، بنیاد تمدنی شگوفان آریایی را گذاشته بود و بعد ازان سپین تمان زردشت دینی را که به شعار پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار بود، بوجود آورد. بعد از ان با آمدن سکندر به آریانا تمدن یونانی باتمدن آریانی خلط گردید و بعد ازان دین بودایی به افغانستان آمد.

در نتیجه‌ء این تحولات و وقایع دیگر، صنایع و هنر انکشاف کرد و خصوصاً با آمدن دین بودایی در نقاشی و مجسمه سازی مکتب مستقل هنر گندهارا پا بعرصه‌ء وجود گذاشت و در افغانستان هزارها اثر هنری خلق و ابداع گردید.

با آمدن دین مقدس اسلام به افغانستان در جهان هنر و صنایع تجربه های نو صورت گرفت، صنایع ظریف و زیبا رواج یافت خصوصاً فنون و هنرهای خطاطی، تذهیب، نقاشی، میناتور و صحافی پیشرفت چشمگیری کردو سبکها و مکتبهای مختلف دران ایجاد گردید.

شاد روان علامه عبدالحی حبیبی که نویسنده‌ء مبتکر، مؤرخ بصیر، و عالم علامه بود در تحقیقات عمیق و دقیق علمی و تاریخی خود در باره‌ء صنایع و هنر افغانستان پژوهشهای زیادی کرده است که درین راستا از مقاله و رساله گرفته تاکتب ضخیم برشته‌ء تحریر در آورده بود.

«هنر عهد تیموریان» اثری از استاد بود به قطع بزرگ و بیش از هزار صفحه که قبلاً نشر شده است و همچنین درین باره در اوقات مختلف مقالات و رساله های زیادی نگاشته است.

درین سلسله در آثار استاد علامه، رساله یی تحت عنوان «یادداشتها در تاریخ صنایع افغانستان» موجود است که در سال ۱۳۴۳ در پنج شماره‌ء مجله‌ء آریانا بطور مسلسل نشر شده است. درین رساله در دوره‌ء اسلامی افغانستان در باره‌ء هنر ها و صنایع خطاطی، نقاشی، مصوری، تذهیب، صحافی، فلزکاری، منسوجات، قالینبافی، ابنیه و نجاری مطالب تحریر و تحت بررسی گرفته شده است.

همچنین در آثار علامه حبیبی رساله یی قلمی پښتو تحت عنوان « په شلمه سدۍ کې د افغانستان هنر» موجود است که دران خطاطی،نقاشی و رسامی، تیاتر، ساز و آواز و اتن ملی، تعمیرات و ابنیه، البسه و مفروشات، سنگتراشی و حکاکی، مسگری و آهنگری، نجاری، پاپوش سازی، سراجی، کلالی، زرگری معاصر و تشبثات دولتی درینباره را به بررسی میگیرد.

درین رساله علامه حبیبی هنر افغانستان را از سال ۱۲۸۰ تا ۱۳۵۲ شمسی تحت بررسی قرار داده اما سال نگارش آن بعد از ۱۳۵۷ است، بخاطریکه اولین مسوده‌ء این رساله را بر پشت اوراق چاپی یک جنتری سال ۱۳۵۷ تسوید کرده و همچنین در متن آن جایی سال ۱۳۵۹ ذکر است و بدینترتیب این اثر کوچک ولی مؤجز و مهم اواز آخرین آثار زندگی وی محسوب میگردد.

در حقیقت این هردو رساله صنایع و هنر افغانستان را در دورهء اسلامی به بررسی میگیرد، اشکال و انواع این صنایع را بما می نمایاند و صنعتگران و هنرمندان این صنایع زیبا را معرفی میدارد.

مرکز تحقیقات علامه حبیبی که وظیفهء گرد آوری و طبع آثار وی را دارد، این دو رساله را آمادهء طبع کرد که پهلوی هم چاپ شود و برای علاقمندان صنایع و هنرهای افغانستان عزیز معلومات مفید و مهمی را ارایه نماید.

ما تلاش داریم تمام کتب و رسایل قلمی و چاپی علامه حبیبی را بشکل جداگانه نشر نماییم و تمام مقالات وی را در مجموعهء بیست جلدی بنام هزار مقالي/ هزار مقاله گرد آوریم و همچنین اشعار و افکار او را در رساله های جداگانه چاپ کنیم و هم در بارهء آثار و زندگی این عالم گرانمایه، تحقیقات، رساله ها و مقاله ها را بدست نشر بسپاریم.

با دادن این مژده گفتار خود را خاتمه می بخشیم و بخوانش این دو اثر ظاهراً کوچک ولی معناً بزرگ استاد، شما را دعوت میدهیم!

با احترام

مرکز تحقیقات علامه حبیبی

۱۳۸۳/۸/۱۷

بسمه تعالی

یکی از موضوع های بسیار مهم و دلچسپی که باید در تاریخ کشور ما با دقت و تحقیق و کنجکاوی فراوان جستجو و فراهم آوری شود معلوماتی است در بارهء صنایع مختلف که در ادوار سابقه در افغانستان وجود داشته است.

تاریخ صنایع و هنر های نفیس جزو معتنا به فرهنگ باستانی ماست و باید تمام نکات و جزویات آنرا فراهم آوریم و در آینده در پایان هر فصل تاریخ اوضاع صنعتی همان دوره را با بسط و تفصیل، مورد بررسی قرار دهیم.

نویسنده این سطور در حین مطالعهء کتب تاریخی نکات و یادداشتهایی را درین مورد فراهم آورده ام، که کافی و جامع و مانع نیست، ولی برای اینکه ضایع نشود و در آینده بدرد نویسندگان گرامی این رشته بخورد، آنرا به قید قلم می سپارم و ممکن است که در حین ترتیب و تدوین تاریخچهٔ صنعت و هنر سودمند افتد، و هر مبحث آن بموقع خود گذاشته شود.

خطاطی

یکی از صنایع بسیار جالب و زیبای خراسان در دوره‌ء اسلامی هنر خوش نویسی است حتی برخی از دانشمندان هنر شناس معتقد اند، توجهی را که این مردم در ترتیب کتابهای خطی داشته اند بی نظیر است و هیچ یک از ملل عالم نتوانسته است بپایه‌ء آنها برسد.

وقتی انسان یکی از کتب خطی این مردم را بدست میگیرد نمیداند چه قسمت آنرا بیشتر مورد دقت قرار دهد؟ زیرا تزئینات و تذهیب کاری و جاذبه و رنگ آمیزی و زیبایی خط و نقش و نگار جلد آن هر یک در خور دیدن و سحر انگیز است. که بیننده بی اختیار از دیدن تمام این محاسن هنری در شگفت می ماند. (۱)

صنعت خطاطی از اوایل دوره‌ء اسلامی در افغانستان رواج داشت، و برسم الخط کوفی که بقول دکتور ولفنسون از رسم الخط نبطی متأخر برامده بود. (۲)

و عربها آن را در قرن هفتم میلادی در افغانستان رواج داده بودند، کتابها و کتیبه های خود را می نوشتند.

قدیمترین کتیبه این رسم الخط در افغانستان تا جایی که اکنون مکشوف و معلوم است در وادی توچی وزیرستان بریک سنگی بدست آمده، که در جمادی الاولی (۲۴۳هـ ۱۸۵۷ م) در باره‌ء تعمیر بنایی نوشته شده و نه سطر برسم الخط کوفی و زبان عربی و پنج سطر رسم الخط سره دانا گری Sarada Nagri و زبان سنسکریت دارد، که این سنگ نبشته اکنون در موزه‌ء پشاور موجود است (۳) و از ملاحظه‌ء آن پدید می آید، که در اواسط قرن سوم هجری در حواشی شرقی افغانستان رسم الخط کوفی توأم با رسم الخط سنسکریت رواج داشت، و نفوذ آداب و رسوم اسلامی و عربی تا کوهسار توچی پهن شده بود.

کتیبه‌ء دیگر بهمین رسم الخط کوفی ساده بدون تزئینات بر کنار دریای سند در خرابه های شهر قدیم و یهند که بعد از عقب نشینی کابلشاهیان از فتوحات اسلامی پایتخت ثانی ایشان بود. بر دیوار کهن چاهی در سنه ۱۸۹۴ م پیدا شده و بران بزبان عربی و رسم الخط کوفی چنین نوشته است: "بسم الله الرحمن الرحیم بناهذالبئر ابو جعفر محمد بن عبدالجبار بن محمد الجوزجانی فی ذی القعده سنه اثنی و ثمانین و اربعمائه" (۴)

این کتیبه که بسال ۴۸۲ هـ ۱۰۹۰ م تعلق دارد نفوذ کامل رسم الخط کوفی را در افغانستان تا کرانه های اباسین بثبوت میرساند و اینکه کتیبه از طرف یکنفر فقیه جوزجانی افغانستان نصب شده، بجای خود مهم و دلچسپ است.

قدیمترین کتابهای این رسم الخط که تا کنون بخط مردم خراسان در موزه های اروپا و کتب خانه ها موجود اند عبارتند از کتاب الابنیه عن حقایق الادویه تألیف ابو منصور موفق هروی که در شوال ۴۴۷ هـ (جنوری ۱۰۵۶ م) بخط علی بن احمد طوسی خواهر زاده یا برادر زادهء فردوسی خراسانی نوشته شده و نسخهء واحدهء خطی آن در کتب خانهء و یانا است(۵) دیگر جلد ثالث شرح کتاب التعرف لمذهب التصوف است که در حدود (۳۹۰ هـ) زاهد فقیه امام ابو ابراهیم اسمعیل بن محمد مستملی بخاری (متوفی ۴۳۴ هـ) کرده است (۶) این کتاب از مهمترین آثار قدیم زبان فارسی فصیح عصر سامانی است که یک نسخهء خطی قدیم آن با خط بسیار پخته و زیبای کوفی در ۲۴ شوال ۴۷۳ هـ ۱۰۸۰ م نوشته شده و در پشاور پښتونستان در کتب خانهء مولانا فضل صمدانی موجود بود.

دیگر کتاب خطی بهمین رسم الخط کتاب هدایة المتعلمین تألیف ابوبکر ربیع ابن احمد بخاریست، که نسخهء خطی واحدهء آن در اکسفورد انگلستان موجود و نوشتهء (۴۷۸ هـ) است.

از نسخهء خطی کتاب ترجمان البلاغه محمد بن عمر را دو یانی که در سنه ۵۰۷ هـ بخط ارد شیربن دیلمسپار قطبی از شاگردان اسدی طوسی نوشته شده و درکتب خانهء فاتح استانبول موجود است پدید می آید (۷) که رسم الخط کوفی از اوایل دورهء اسلامی تا اواخر دورهء غزنویان و عصر سلجوقیان برای نوشتن کتب استعمال می شد. اما از مقابله قدیمترین نمونهء خط کوفی که تا کنون کشف شده و در حران جبل دروز بر سنگی

بالای کلیسایی بزبان عربی و یونانی نقش و متعلق به سال ۵۶۸م است، و بعد از آن بر کتیبهء قبری در مصر همین رسم الخط مربوط بسال ۳۱هـ موجود است. (۸) معلوم می شود که خط کوفی اوایل خیلی ساده و بسیط و نازیبا و حروف آن خیلی فراخ و کم ارتفاع بود. ولی بمرور زمان ذوق مردم خراسان آنرا پرورانید تا که در اوایل قرن پنجم هجری کشیده و زیبا شده و در دورهء سلجوقی خط کوفی بر دقت و زیبایی خود افزود(۹) تا که خط نسخ ازان بوجود آمده و بعد از ان در قرن هفتم به تعلیق تحول کرد و از مجموعهء نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بمیان آمد، که رقت و شیوایی و سهولت و نرمی و ارتجالی را دران مشاهده میکنیم(۱۰) اختراع خط نستعلیق منسوب به قبلة الکتاب میر علی از درباریان تیموریهء خراسان است یک نسخهء خطی همای و همایون خواجوی کرمانی بتاریخ ۷۹۹ هـ (۱۳۹۷ م) بقلم او نوشته شده و در موزهء برتانیاست. (۱۱) مکتب نستعلیق نویسی در خراسان و هرات در سایهء هنر پروری تیموریان در عصر رنسانس هنری هرات باوج کمال رسید. عبدالله پسر میر علی کار پدر را تکمیل کرد و از دو نفر شاگردان میر علی، مولانا جعفر ریاست دبیر خانهء بایسنقر میرزا را در هرات داشته و چهل نفر خوشنویس، زیر دست او بودند.

جعفر بایسنقری دراکادیمی هرات نفیس ترین کتب دنیا یعنی نسخهء شهنامهٔ فردوسی را در سنه ۸۲۳ هـ (۱۴۲۰ م) نوشته (موزه گلستان تهران) که بجایش شرح داده خواهد شد. همچنین نسخهء خطی گلستان سعدی را

همین جعفر در هرات بسال ۸۳۰ هـ (۱۴۲۶م) برای شهزاده بایسنقر نوشت که بهترین کتابهای خطی کلکسیون چستر بیتی لندن شمرده میشود، و علامت کتابخانهء بایسنقر میرزا را دارد.

عدهء زیاد نسخ خطی عالی مکتب هرات متعلق بدورهء شاهرخ اند. یک نسخهء عالی خمسهء نظامی که در مجموعهء لویی کارتیه در پاریس موجود است ممهور به مهر شاهرخ است. (۱۲) اما شاگرد دیگر میر علی، مولانا اظهر (متوفی ۸۸۰ هـ ۱۴۷۵ م) هنرمند جهانگردی بود، که خط نستعلیق را از هرات تابیت المقدس نشر داد، و یک شاگردش سلطان علی از ۸۷۵ تا ۹۱۲ هـ در هرات بدربار سلطان حسین بایقرا بسر می برد، که دیوان وزیر هرات میرعلی شیر نوایی را در ۹۰۵ هـ ۱۴۹۹ م نوشت و بخط همین استاد، نسخهء گوی و چوگان عارفی بین سنوات ۸۷۰- ۸۸۰ م در هرات نوشته شد که اکنون به نمرهٔ ۱۸۱۰ در کتابخانهء فاتح در استانبول موجود است.

یکی از آثار آنزمان که مصدر الهام برای هنرمندان این مکتب بوده، دیوان شاعر معروف حضرت جامی است (۸۱۷- ۸۹۸ هـ ۱۴۱۴- ۱۴۹۲ م) در موزه متروپولیتن نسخه یی ازین دیوان موجود است که بین سالهای ۸۶۸- ۸۸۴ هـ در زمان حیات جامی بوسیلهء خطاط معروف عبدالکریم خوارزمی نوشته شده و از لحاظ سبک خط شباهت زیادی به نسخه یی ازان دیوان دارد، که در سال (۸۶۸ هـ۱۴۶۳ م) توسط عبدالرحیم برادرش استنساخ شده، این هر دو خطاط زبردست شیوهء خط نستعلیق را تغییر

دادند، و فرزندان عبدالرحمن خوشنویس معروف بودند. (۱۳) خطاطان معروف و هنرمندان دیگر در اکادمی هرات عبدالکریم ولد عبدالرحمن خوارزمی، و ابراهیم بن شاهرخ بن تیمور و خود بایسنقر میرزا است، که درین دوره بعد از پیشرفت خط نستعلیق دو نوع خط دیگر یعنی خط دیوانی و دشتی نیز بوجود آمده است. (۱۴)

هنر خطاطی در افغانستان دوره‌ء ارتقای خود را تکمیل کرد، و در قرن نوزدهم دو مکتب خاص دران موجود بود. اول مکتب میرعبدالرحمن هروی که در اواخر عصر سقوط سدوزائیان میزیست و در نستعلیق نویسی آیتی بود و همین مکتب را تا کنون برخی از شاگردان این دبستان تعقیب می نمایند، که یکی از ایشان دانشمند فیضی کابلی است و درین اواخر مناجات حضرت خواجه عبدالله انصاری را بهمین اسلوب نوشته و عکاسی شده است و پیش ازین مرحوم میرزا محمد یعقوب از خطاطان معروف این مدرسه بود.

مکتب معروف دیگر نستعلیق دبستان سید عطا محمد شاه قندهاریست که فرزندش سید عثمان آقا و دو نفر شاگردش سید داؤد الحسینی و سید ایشان آقا تا کنون چشم و چراغ این محفل اند، و این هنرمندان رویه‌ء میر عماد معروف را پیروی نمایند.

علاوه برین دبستان خط شکسته نیز در چند قرن اخیر موجود بوده و نمونه های خوبی ازین اسلوب بخط مرحوم سردار غلام محمد خان طرزی

افغان دیده شده و درین وقت بناغلی عزیزالدین پوپلزی در انواع خطوط هنرنمایی دارد.

مآخذ:

(۱) صنایع ایران بعد از اسلام از دکتور زکی محمد حسن مصری، ص ۶۴ ترجمه و طبع تهران ۱۳۲۰.
(۲) تاریخ اللغات السامیه طبع مصر.
(۳) مجلهء اپیگرا فیا اندیا اسلامیکا ۱۹۲۶ م.
(۴) هیند بک آف پشاور موزیم ص ۹ و ۱۰.
(۵) تاریخ ایران از براون ج ۱ ص ۶۹۲.
(۶) کشف الظنون ۴۱۹.
(۷) رجوع بطبع عکسی احمد آتش از استانبول ۱۹۴۹.
(۸) تاریخ اللغات السامیه طبع مصر.
(۹) مهم ترین آثار این ادوار افغانستان در رسم الخط کوفی کتیبهء قبر سلطان محمود در غزنه ۴۲۱ هـ و کتیبهء بنای مرقد حضرت امام یحیی بن زید مقتول ۱۲۵ هـ در سرپل (جوزجان) است که تاریخ ندارد.
(۱۰) دکتور زکی حسن در کتاب تاریخ صنایع بحواله سروی آف پرشن آرت ۲/ ۱۷۳۲.
(۱۱) رهنمای صنایع اسلامی اردیماند ترجمه فارسی طبع تهران ۱۳۲۶.
(۱۲) راهنمای صنایع اسلامی ۵۵.
(۱۳) راهنمای صنایع اسلامی ۵۷.
(۱۴) زکی محمد حسن در صنایع ایران ص ۷۰.

مصوری و نقاشی

از آثار مانوی که در تورفان کشف شده و نیز از عنعنهء قدیمی که در ادب و کلتور ممالك آسیای وسطی موجود است فهمیده می شود، که مصوری و نقاشی در خراسان از عصور قبل از اسلام رواج داشته و در افغانستان از امتزاج هنر بودایی و یونانی، سبك هنری گریکوبودیك در مدارس گندهارا بوجود آمده بود، که در عصر کوشانیان این هنر در افغانستان صبغهٔ خاص محلی را یافته بود.

مصوری و مجسمه سازی گندهارا در ادب و آرت دورهء اسلامی آنقدر نفوذ نمود، که شعرای قدیم فارسی بت قندهار و نقش قندهار را سمبول حسن و جمال قرار دادند. سنائی غزنوی گفت:

صانعی باید حکیم و قادر و قایم بذات　　　تا پدید آید ز صنع وی بتان قندهار(۱)

حتی گاهی تنها کلمهٔ قندهار سمبول زیبائی و جمال بود، ناصر خسرو علوی گفت:

سوی شاخ بادام شو بامداد   اگر دید خواهر همر قندهار(۲)

در دوره‌ء اسلامی در افغانستان فن نقاشی و مصوری را از عهد سامانیان بلخی سراغ داریم، بدین معنی که در قرن چهارم هجری نصر بن احمد سامانی نسخه‌ء ترجمه شده‌ء کلیله و دمنه را بوسیله‌ء نقاشان چینی مصور نموده بود و نقاشی روی دیوار های کاخها نیز از همین دوره مرسوم بود، که اُستاد معروف هرتسفلد در سیستان نمونه هایی ازان یافته است. (۳) و هنگامیکه آثار لشکرگاه غزنویان در بست کنار هلمند کشف شد، و بر دیوار های آن تصاویر غلامان محمودی دیده می شود، از ملاحظه‌ء آن به یقین می پیوندد، که هنر مصوری در ان عهد چه مراحلی را می پیمود وعلاوه برین از روایت ابو الفضل بیهقی میدانیم، که شهزاده مسعود فرزند سلطان محمود در باغ عدنانی هرات عیش خانه یی داشت که دیوار های آنرا به نقوش و تصاویر گوناگون آراسته بودند. (۴) اما نقاشی های دیواری که در دوره‌ء ساسانی مرسوم بوده است در دوره‌ء اسلامی استعمال آن منحصر بدیوار های حمامها و تالار ها و سالن های خصوصی شده و در دوره‌ء اسلامی مکتب های مصوری سلجوقی و مغولی و تیموری و صفوی معروف است که منبع و پرورشگاه تمام این مکاتب هنری باز خراسان بوده و در خاکهای پارس و عراق و تورکیه پرورده شده است. (۵)

یک نسخه‌ء شاهنامه فعلاً در موزه طوپقاپوسرای استانبول هست که در سال ۷۱۳ هـ ۱۳۳۱ م نوشته شده، ولی صور و نقوش این نسخه برزخ میان

صورتهای مکاتب سابق ولاحق بوده و بازگشت زمینهٔ قرمز رنگ سلجوقی و سادگی و عدم تصنع در رسوم اشخاص آن دیده می شود، که تأثیر روش مغولی در آرایش لباس و مناظر کوهستانی گل و بوتهٔ آن نیز مشهود است. (۶)

از بهترین صور نقاشی شده سبک مغولی افغانستان در حدود بعد از قرن ششم هجری مرقعی است از کلیله و دمنه که بعداً برای شاه طهماسپ اول صفوی فراهم آوری شده و اکنون در کتابخانهٔ پوهنتون استانبول موجود است.

در کشیدن صورت اشخاص این مجموعه دقت و مهارتی دیده می شود و نقاش از روشهای چینی عناصری را در ان اقتباس کرده، که در مناظر طبیعی آن بنظر می آید و در مراعات حالت طبیعی و اتقان اشکال آدمی و حیوانی بحدی موفق است که هنرمندان و نقاشان تبریز هم بآن پایه نرسیده اند. بهر حال یک روحانیت و حالت طبیعی در این مجموعه مشهود است که بما اجازه میدهد آنرا از صنایع هرات که در نیمهء قرن هشتم صنایع و فنون دران بر اثر پایتخت بودن سلاطین کورت رونق یافته بود، بدانیم. اما این صور و اشکال خالی از یک روح هندی نیست و شاید دلیل این باشد که سلاطین کورت منسوب به غوریان اند، که در سالهای (۵۴۳- ۶۱۲ هـ /۱۱۴۸- ۱۲۱۵ م) بر افغانستان و هند حکومت کرده اند و این رابطه و نسبت که بین دو سلسله بوده است در فنون هنر هرات تاثیر داشته است.(۷)

این رأی مؤلف صنایع اسلام قرین بصواب است زیرا از ملاحظهٔ تاریخ سیفی هروی که از مؤرخان دربار آل کورت هرات است بخوبی میدانیم که شاهان آل کورت تا دره‌ء بولان و حدود سر زمین سند حکمرانی داشتند و شاید آثار هنری هندی را بدربار خویش در اثر تماس با مردم سند به هرات انتقال داده باشند.

در سال ۷۷۱ هـ ۱۳۷۰ م سمرقند پایتخت تیمور شد، وی مشهور ترین هنر مندان را در آن شهر فراهم آورد اما تابلو های نقاشی که بشهر سمرقند منصوب اند خیلی کمیابند و بهمین جهت شاید ممکن نباشد آثار فنی زیادی بآن نسبت داد، فقط میتوان اشکال منقول از نمونه های چینی و بعضی اشکال دیگر را که روشهای چینی در آن تاثیر کرده و مشتمل بر رسوم و اشکال حیوانات حقیقی و خرافی و بعضی کتابهای خطی علوم فلکی را منسوب بآن شهر دانست. (۸)

شاهرخ (۸۰۷– ۸۵۰ هـ) = ۱۴۰۴– ۱۴۴۷م پسر و جانشین تیمور هرات را مقر حکومت خود قرار داد، وی عده‌ء زیادی ازهنرمندان را برای استنساخ و مصور ساختن کتب جهت کتابخانه‌ء خود استخدام کرد، که در بین آنها خلیل نقاش را میتوان نام برد، که در آن زمان یکی از عجایب اربعه و تالی مانی بشمار میرفت. (۹)

بایسنقر میرزا (متوفی ۱۴۳۳ م) پسر شاهرخ یک کتابخانه و مدرسه‌ء فنون کتابت تأسیس کرد، که در آن چهل هنرمند از قبیل نقاش و خوش نویس و صحاف کار میکردند، و در رأس آنها جعفر بایسنقری خطاط

مشهور بود، از جمله نقاشان امیر شاهی سبزواری و غیاث الدین را میتوان نام برد، غیاث الدین جزویک هیئت سیاسی از طرف شاهرخ به چین فرستاده شد. (۱۰)

چون روابط محکم بین دربار هرات و خاندان شاهان منگ چین (۷۷۰-۱۰۵۴م) موجود بود و سفرای جانبین بدربار های یکدیگر فرستاده می شدند، بنابران تأثیر هنر چینی در مکتب فنی هرات نمایان است که از آن جمله تزئین جلد های کتب به رسوم حیوانات خرافی چینی است. (۱۱)

اگر چه نقاشان دربار بمصور ساختن شاهنامه ادامه میدادند، اما موضوعی که بیشتر توجه آنها را جلب میکرد، اشعار عاشقانه و تصوفی بود، که برای نقاشی این اشعار مکتب هرات سبک جدیدی ابداع کرد، که متناسب با معنی و مفهوم اشعار غنایی و عاشقانه باشد.

معمولاً اشکال انسان درین تصاویر ظریف و کوچک ترسیم شده و منظرهء آن کاملاً محیطی و تزئینی و دارای افق بلند و جبال اسفنجی است، رنگ آمیزی این تصاویر روشن و هم آهنگ است و با مقایسه با نقاشی دورهء اولیه مغول، رنگهای جدید بآن اضافه شده است.

ایجاد این سبک خاص در نقاشی که بتدریج نفوذ های خارجی دران مستهلک گردید مرهون مکتب نقاشی هراتست بدین تفصیل:

در عصر شاهرخ فن نقاشی مرحلهء اقتباس و فراگرفتن از فنون اجنبی را پیمود، و بدورهء جوانی خود رسید، و توانست چیز هائی را که ازدیگران گرفته است در خود تحلیل کرده و جزء لایتجزای خود سازد. در صور و

اشکالی که در اواخر قرن ۸ هـ (۱۴م)کشیده شده میتوان مهمترین وسایل تزئینات سبکهای فنی را دید، و همین وسایل در قرن بعد از بزرگترین ممیزات نقاشی مکتب هرات گردید. که مهمترین خصایص آن همان مناظر زیبای گلها و گلزار ها و مناظر بهاری و پس از ان رنگهای درخشان و زیبائی است که هیچگاه خروج از رنگی بدیگری وحدت و استقلال آنها را متزلزل نمیکند و از ممیزات دیگر این مکتب مناظر طبیعی و کوه و تپه هاییست که بشکل اسفنج کشیده شده و علاوه برین نقاشان این دوره توانسته اند میان اشخاص و ساختمانها یا سایر مناظری را که می کشد نسبت های مقبول و معقولی را قایل شوند، و تطور فنی مکتب هرات خیلی واضح تر و آشکار تر است. و از آثار مهم این دوره مجموعهء اشعاریست بقلم مرتضی حسینی (قسمت اسلامی موزهء دولتی المان در برلین) که در سنه ۸۲۳ هـ ۱۴۲۰ م برای کتابخانهٔ بایسنقر شاهزادهء تیموری نوشته شده است. و امتیاز این نسخه در این است که نقاش توانسته است، صورت اشخاص را آنقدر که ممکن بود کم کند و در رنگ آمیزی و کشیدن کوه و تپه مهارت نشان دهد. نقاشان این دوره از سبکهای فنون چینی اقتباس کرده و هضم کرده اند و یک سبک مستقل و قوی را که نمایندهء روح فنی عصر بود بوجود آوردند. (۱۲)

مینیاتور های کتب عصر تیموری از حیث سبک بیکدیگر شباهت دارند و به شیوهء مینیاتور سازی که چندی بعد در هرات ظاهر شد، خیلی شباهت دارند.

خصایص این قسم مینیاتور عبارتست از کوه هایی در فواصل معین با سبزه پوشیده، افق بلند و رنگهای جدید به الوان گوناگون.

در تحت نظر این هنرمندان هرات و بدست آنان عصر طلایی مینیاتور سازی ظاهر گردیده نقاشی ها و تصاویریکه این صنعتگران کشیده اند به مقیاس کوچک است، و در ساختن آن دقت زیاد کرده اند، و مخصوصاً به ریزه کاری خیلی اهمیت داده اند. این مینیاتور ها تأثیر آرایشی فراوان دارند و رنگهای جدیدی که در آن استعمال شده، لطیف و خوش منظر است، درین مینیاتور ها فاصله هایی بین تصاویر، بطرز تازه یی نشان داده می شود. چونکه تصاویر در چند سطح کشیده شده اند، تا اینکه دوری و نزدیکی نسبت بیکدیگر را بنمایند، طبقات نازک صخره و کوه هایی که بافق منتهی میشود، بانواع رنگهای قشنگ ساخته شده. درختان گل و گیاه و جزئیات آن با دقت کشیده و نمایش داده شده است. آسمان بالای افق اغلب طلائی رنگست. و برای نشان دادن ابرپیچ نازکی بسبک چین کشیده شده آسمان شب را با رنگ سرمه ئی و ماه و ستارگان را با رنگ طلائی جلوه داده اند. و چنانچه گفتیم نقاشان به مصور ساختن و مینیاتور کاری شاهنامهء فردوسی ادامه میدادند، ولی درین زمان آثار شعرای بزمی، وسیله و صحنهء جدیدی برای ابراز این صنعت بوده، کتب سعدی ونظامی را استنساخ کرده و با مینیاتور های عالی آرایش کرده اند. و این آثار مانند عکاسی نیست، بلکه بیشتر جنبهء آرایش و زینت دارد، و هیچگاه سعی نشده است

منظره یی را نشان بدهند که بعینها همان باشد، که بچشم یا دور بین عکاسی میآید. و قوهء مخیله و تصور در آرایش آن میدان وسیعی دارد. (۱۳)

تکنیک دقیق و طرز نشان دادن منظره و کوچکی اشکال از خصایص مکتب هرات در نیمهء اول قرن (۱۵ م) است. (۱۴)

از قدیمترین کتب خطی منسوب بمکتب هرات کتاب کلیله و دمنه (کاخ گلستان تهران) است، که در اتقان تصویر طبیعت و آثار آن و هضم و تحلیل عناصر چینی ممتاز است. و نسخهء خطی گلستان سعدی ۸۳۹ هـ (۱۴۲۶ م) که برای بایسنقر نوشته شده و دارای ۸ تصویر بدیع و زیباست، تمام ممیزات و محسنات فنی مکتب هرات را دارد. (۱۵)

در موزهء هنر های زیبای پاریس تابلوی ملاقات همای و همایون در باغ های کاخ شاهی چین از شهکار های نقاشی مکتب هرات است، که سراسر آن ابداع مقرون بزیبایی و وفق دادن بین اجزاء و قدرت کامل بر تعبیر عواطف و افکار بوده و جنبهء اشرافی و بزرگی اشخاص بخوبی دران آشکارست، رنگ آمیزی عجیب و گلهای زیبائی که دران کشیده شده جذبهء خاص بدان میدهد.

علاوه برین تابلو، صورت مستقل دیگری نیز روی پارچهء ابریشمی طبق روش چینی در مکتب هرات کشیده شده و تصور میرود که از آثار همان غیاث الدین نقاش باشد، که در سالهای ۸۲۳- ۸۲۷ هـ جزء هیئت اعزامی شاهرخ به چین بود. این آثار نفیس در موزه های نیویارک و بوستن و

مجموعهء کونتس دوبهاک موجودند که اجتماع سبکهای چینی و هراتی را در کمال مهارت و خوبی نمایندگی می کنند.

اما مکتب فنی هرات از نیمهٔ قرن نهم هجری (۱۵ م) در پیوند صور و اشکال و رنگ آمیزی آنها یک تشخص قوی و مستقلی را تشکیل داد، که نسخهء انجمن آسیایی لندن، نوشته شده برای محمد جوکی بن شاهرخ در حدود ۸۴۰ هـ نمایندهٔ آنست، و همچنین دیوان اشعار سلطان حسین میرزا (متوفی ۸۹۰ م) در مناظر طبیعی و تصاویر ابنیه و سیما و چهرهء مغولی اشخاص و تناسب رنگها از پیشرفت فنی هنرمندان مکتب هرات حکایه میکند. (۱۶)

مآخذ:

(۱) دیوان سنایی ص ۱۴۱ بحواله مضمون نویسندهء این سطور در مجلهء آریانا حوت ۱۳۴۰.

(۲) دیوان ناصر خسرو، ص ۲۰۰.

(۳) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۸۸

(۴) تاریخ بیهقی ۱۳۰.

(۵) صنایع ایران ص ۸۸

(۶) همین کتاب ص ۹۵.

(۷) صنایع ایران ص ۹۶.

(۸) صنایع ایران ص ۹۹.

(۹) راهنمای صنایع اسلامی ۵۴.

(۱۰) همین کتاب ۵۴.

(۱۱) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۴.

(۱۲) صنایع ایران ۱۰۲.

(۱۳) صنایع ایران ۱۷۰.

(۱۴) راهنمای صنایع اسلامی ۵۶.

(۱۵) صنایع ایران ۱۰۵.

(۱۶) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۸.



بهزاد و مکتب او

بزرگترین نقاشان دوره‌ء اسلامی، کمال الدین بهزاد در سنه ۸۵۴ هـ ۱۴۵۰ م در شهر هرات بدنیا آمد (متوفی ۹۴۴ هـ ۱۵۳۷ م؟) وی شاگرد سیداحمد نقاش است که در در بار سلطان حسین میرزا تا ۹۱۶ هـ میزیست و بعد ازان بدربار صفویان پارس رفت و در سنهٔ ۹۲۸ هـ ۱۵۲۲ م بموجب فرمان شاه اسمعیل صفوی مدیر کتابخانه‌ء سلطنتی و انجمن فنون کتاب نویسی و ریاست تمام هنرمندان نایل آمد. (۱)

بابر بهزاد را بزرگترین تمام نقاشان گفته و مؤرخین دیگر نوشته اند که استادی و مهارتش نام سایر نقاشان را محو کرده و یک مو از قلم او به جملات زندگانی بخشیده. وی اولین نقاش دوره‌ء اسلامی است که ملزم با مضای آثار فنی خود شده و بر اثر علومقام و منزلتی که داشته توانست که بر تمام خطاطان و نقاشان پیشی گیرد. وی در رنگ آمیزی و مزج

رنگها و دانستن خواص و ترکیب آن و در تعبیر حالات مختلفه نفسانی مهارت داشت و مخصوصاً در کشیدن اشکال ابنیه و مناظر طبیعی بحد اعجاز رسیده است. در تصاویر وی آرامش و خوش سلیقگی و ابداع و مهارت موجود است و در ترکیب و تزئین آن و انسجام رنگها کمال نقاشی مکتب تیموری را بروز داده است و مدققین رأی دارند که در تصاویر بهزاد مقدار زیادی از عنصر حب الهی و مقام روحانیت و قدوسیت دیده می شود. و شاید این جنبه در اسلوب نقاشی بهزاد برای این باشد که مشرب تصوف مقارن تولد بهزاد و دوره‌ء کودکی او باوج عظمت خود رسیده بود. (۲)

مینیاتور های زیادی موجود است که به بهزاد نسبت داده شده ولی تقریباً همه‌ء آنها مورد تردید بعضی از اهل بصیرت است. نقاشان عصر تیموریان قبل از بهزاد کار هایی انجام داده اند که اگر کاملاً بپای کار های بهزاد نرسند، نزدیک به آن میباشد یکی از نقاشان عصر بهزاد و همکار او قاسم علی بود، گرچه شهرت بهزاد را نداشت، اما کار هایش بپایه‌ء کار های وی میرسد. دو نفر از شاگردان بهزاد شیخ زاده‌ء خراسانی و آقا میرک تبریزی تقریباً بهمان درجه‌ء استادی بهزاد رسیده اند. میتوان تصور کرد که بسیاری از نقاشی ها را خود استاد طرح ریزی کرده و شاگردانش آنها را تمام وتکمیل کرده اند.

مینیاتور دولابی ازان دوره، که اکنون بدولت ایران تعلق دارد دارای منظره‌ء باغ و تصاویر متعدد است در گوشه‌ء راست در سمت پایین تصویر

دو نفر زن است که کتابی کوچک در دست دارند، و روی آن کتاب
بخط بسیار ریز نوشته شده ((تصویر سلطان حسین میرزا، عمل بهزاد))
مینیاتور ناتمام دیگری که تقریباً مثنای کامل منظرهء قسمت چپ آن
مینیاتور دولابی میباشد، در یک مجموعهٔ شخصی است.

در مجموعهٔ نفیس کورکیان در نیویارک صفحاتی هست که در یکی
ازان تصویر مدوریست که پیر زن و جوانی را در دامنهء کوهی در کنار
رودی نشان میدهد و امضای بهزاد را دارا می باشد.(۳)

هکذا تصویر شاه طهماسپ صفوی بالای درخت دارای امضای
(پیرغلام بهزاد) که در موزهء لور است، ازوست (۴)

کتاب هفت پیکر نظامی موزهء متروپولیتن نیویارک که محتوی صور
و اشکال بسیار بدیع و زیبا و مناظر ممتاز شکار و منسوب به بهزاد است. با
دو تصویر نسخهء خطی خمسهء نظامی تحریر ۹۰۰ هـ منسوب به روح الله
میرک نقاش استاد بهزاد از آثار برجستهء مکتب هرات اند. (۵)

خصایص مهم سبک بهزاد:

کسانیکه در شناسایی آثار هنری ذوق و بهره یی دارند سبک هنر بهزاد
را چنین ستوده اند، که وی اعجوبهٔ روزگار و استاد عصر بود نه برای اینکه
سبک جدیدی را در مینیاتور ایجادنمود، بلکه بواسطهٔ اینکه او صنعت را
در کلیهء جزئیات بمنتهی درجه کامل کرد. و در آثار هنری او خصایص
ذیل نمایانست:

۱- درستی و دقت کامل در خطوط تصاویر.
۲- نمایاندن وضع چهره و قیافهء اشخاص بطور شگفت انگیز بوسیلهء ترکیب انواع رنگها.
۳- حرکت و مفهوم بودن اشارات تصویر.
۴- ظرافت در کشیدن درختها، گلها و دورنماها و نیز در نمایش اشعهٔ خورشید و ابر.
۵- شمارهء رنگهای گوناگون و توافق آنها با یکدیگر، برنگهای (سرد) مانند سرمه یی، سبز، فیروزه یی، زیتونی، زرد و قهوه یی بیشتر توجه شده، طلا ونقره نیز بکار رفته و اقسام مختلف قرمزاستعمال شده.(۶)

مثلاً تصاویر خمسهء نظامی رنگ آمیزی سرد دارد، و آبی و خاکستری و سبز بیشتر بکار رفته است. یک مینیاتور بسیار زیبا و جالب توجهی که با همین صفات جنگ شتران را نشان میدهد و در تصرف دولت ایران است، میگویند بهزاد بعمر هفتاد سالگی آنرا ساخته است. همچنین مینیاتور های بوستان کتابخانهء مصر، هنر بهزاد را در اوج کمال نشان میدهد. این تصاویر از لحاظ ترکیب و حقیقت بینی از شاهکار های هنر نقاشی محسوب می شوند و تصاویر اشخاص، حرکت و شخصیت خاص افراد را ظاهر میسازند.

نسخهء خمسهء نظامی مؤرخ (۸۴۶ هـ ۱۴۴۲ م) در موزهء برتانیاست

و سه مینیاتور آن بعد از اتمام کتاب یعنی در سال (۸۹۸ هـ/۱۴۹۳م) کشیده شده که امضای بهزاد را دارد.

اما بوستان کتابخانهء مصر دارای شش تصویر مؤرخ (۸۹۳ هـ ۱۴۸۸م) است که چهار از آن امضای بهزاد را دارد (۷)

این نسخه را سلطان علی خطاط در سال ۸۹۳ هـ برای سلطان حسین بایقرا در شهر هرات نوشت و بهزاد متعهد نقاشی آن بود، که در تصاویر آن استادی کاملی را در ترکیب رنگها و حفظ نسبت تقسیم اشخاص در صورت و دقت در کشیدن اشکال نباتی و مهندسی بسیار دقیق بخرج داده است. در سه تصویر بخط بسیار باریک در جایی که دیدن آن خیلی مشکل است نام خود را نوشته، اما امضای چهارم در تصویریست که مباحثه وجدال عده یی از فقها را در مسجدی نمایش میدهد. درین مسجد طاق بسیار زیبایی هست که حاشیهٔ آن دارای سیزده منطقه است و در منطقهء اخیر نام بهزاد و تاریخ ۸۹۴ هـ دیده می شود و ثابت می آید که کشیدن این تصویر کاملاً یکسال بعد از نوشتهٔ کتاب بوده است.

این تصویر تفوق و استادی بهزاد را در کشیدن صورت اسپ و نمایش دادن زندگانی روستایی و مناظر طبیعی نشان میدهد و در اول کتاب تصویر سلطان حسین میرزا را در مجلس جشن و مهمانی کشیده است. (۸)

همچنین شش مینیاتور در صفحه یی ظفر نامهٔ تیموری در بالتیمور موجود است که در حاشیهء آن تصاویر شاه جهانگیر آنرا کار بهزاد نوشته

است. این کتب توسط خطاط مشهور شیر علی در سال (۸۷۲ هـ ۱۴۶۷ م) برای سلطان حسین میرزا نوشته شده و سبک نقاشی بهزاد در آن بنظر می آید.

هکذا در موزهٔ متروپولیتن یک صفحه نقاشی از دیوان جامی موجود است که درویشان را در حال رقص نشان میدهد. این نقاشی را میتوان به بهزاد نسبت داد زیرا این پرده شایستهٔ قلم بهزاد است و همه خصایص کار های این استاد را دارد اگرچه عدهء زیاد هنر مندان هرات در عصر صفوی بدربار تبریز منتقل شدند، ولی بعضی از آنها در هرات مانده، آن سبک مخصوص را ادامه دادند، بسیاری از مینیاتور های عالی هرات پس از رفتن بهزاد ساخته شده است.

این هنرمندان به ریزه کاری که از خصایص سبک دورهء تیموریست اهمیت زیاد میدادند. چنین توجه به جزئیات اشیاء مانند قالی، اطاق، لباس و تزئینات معماری، نقاشی های هرات را بزرگترین مینیاتور ها قرار میدهد و ثابت میکند که بهزاد تنها نقاش بزرگ هرات نبوده و رقبایی نیز داشته است.(۹)

یکی از آثار مهم مکتب هرات کتاب کلیله و دمنه مربوط موزهء گلستان تهران است، که از حیث زیبایی تصاویر و مینیاتور بی نظیر است. و دیگر نسخهء معراج نامهء کتب خانهٔ ملی پاریس است، که بسال (۸۴۰ هـ ۱۴۳۶م) در هرات نوشته شده و نظیر آن دو تصویر مهم موزهٔ متر وپولتین است، که متعلق بیک نسخهء شاهنامهء مکتب هرات بود و از آن جمله تصویریست که رستم را در حال گرفتن اسپ معروف خود رخش نشان

میدهد. لباس زیبا و رنگارنگ رستم و شخص همراه او بر زیبایی و ترکیب تصویر می افزاید. در حالیکه منظرهء طبیعی با درختان و دو قاز در حین پرواز سبک چینی را نمایندگی می کند.(۱۰)

قاسم علی هروی:

از نقاشان زبردست مکتب هرات در قرن نهم هجری (۱۵م) است که آثار فنی وی با استاد بهزاد شبیه است حتی که غالب مؤرخین فنون اسلامی آثارش را با کار بهزاد اشتباه کرده اند، نمونه های نقاشی قاسم علی در خمسهء نظامی تحریر ۹۰۰ هـ ۱۴۹۴ م موزهء بریتانیاست، که از ملاحظهء آن تأثیر سبک بهزاد بکمال و تمام نمایان است. قاسم علی در موضوعاتی که میکشد و در اسلوب نقاشی وسایل تزئین تابلو های خود عموماً از بهزاد پیروی میکند. اما باوجود آنهم در بکار بردن رنگها و تمیز دادن سیما و چهرهء اشخاص و تعبیر از احساسات و عواطف بپایهء استاد خود نمیرسد. (۱۱)

در کتابخانهء بودلی آکسفورد کتاب خطی تحریر شده در ۸۹۰ هـ ۱۴۸۵ م منسوب به قاسم علی موجود است که بهترین و زیبا ترین آن تصویر جماعت صوفیه در باغچهء سبز و خرمی می باشد. (۱۲)

همچنین قاسم علی تصویر بهزاد را که در کتب خانهٔ پوهنتون استانبول است کشیده است و از لباسهای بهزاد مفهوم می شود که این تصویر را بعد از انتقال او از هرات به تبریز کشیده باشد. (۱۳)

دنبالهء مکتب بهزاد در فارس و هند و بخارا:

در اوایل سلطنت شاه طهماسپ صفوی (۹۳۰ هـ ۱۵۲۴ م) بهزاد زنده بود و آقا میرک از شاگردان بهزاد، از دوستان نزدیک شاه بود، یکی از شاگردان او که سلطان محمد نام داشت، بمقام نقاشی دربار رسید و پیشوای عده یی از نقاشان معروف بود. سلطان محمد بشاه جوان درس نقاشی میداد.

در سنه (۹۳۳هـ) یک نسخهء شاهنامه برای شاه طهماسپ تهیه گردید، که (۲۵۶) تصویر دارد، او اکنون در تصرف بارون ادوارد روتـشیلد Baron Edouard Rothschild در پاریس است، که نقاشی های آنرا از سلطان محمد میدانند.

کار های این استاد از حیث تنوع، رنگ آمیزی، نقشهء ترکیب و نیز برای توجه مخصوص به ریزه کاری مشهور است، یکی از معروفترین مجموعهء نقاشی این مکتب نسخهء مصور خمسهء نظامی موزهء بریتانیاست. که تصاویر آن بوسیلهء نقاشان مشهور که نام اشخاص ذیل زیر مینیاتور های آن دیده می شود، ساخته شده: آقا میرک، سلطان محمد، میرزاعلی، مولانا مظفر علی، میرسید علی.

علاوه بر تصاویر (۳۹۶) ورق این کتاب دارای حاشیهء تزئین شدهء بسیار عالی از طلا می باشد، که نقش آن اشکال حیوانات و گل و غیره است.

در میان این گروه شاگردان مکتب بهزاد، میر سید علی مقامی بلند دارد که در تجسم مناظر طبیعت و زندگی دهقانی ید طولی داشت. حیوانات را

خیلی شبیه کشیده، چادر را بطرز زیبایی تزئین کرده و دست هنرمند وی در اشکال گل و پرنده و اشیای دقیق دیگر مشهور است.

در اواخر سلطنت شاه طهماسپ نقاشی بنام استاد محمدی شهرت یافت، که پسر و شاگرد سلطان محمد بود، وی سبک جدید و قشنگی را در نقاشی رنگی بوجود آورد، و نیز برای ظرافتی که در تصویر سازی انسان و حیوانات بکار برده مشهور است وی از نهال های برومند و آخرین مکتب بهزاد بود.

شعبه یی از مکتب هرات، در شیراز که مقر سلطان ابراهیم بن شاهرخ بود رونق گرفت و مجموعهء مصوری از بهترین اشعار فارسی در سال (۸۱۳ هـ ۱۴۱۰ م) نوشته شده که در موزهء بریتانیا محفوظ است. مجموعهء دیگر اشعار فارسی بتاریخ (۸۲۳ هـ ۱۴۲۰ م) نوشته شده در برلین هست و نسخه یی از شاهنامه از همین مکتب در بودلیان موجود است اما بقول پروفیسور کوهنل Kuhnel مینیاتور های این مکتب از لحاظ رنگ آمیزی سبکتر و کم رنگتر از مینیاتور های مکتب هرات است.(۱۴)

نفوذ بهزاد هم در هرات و هم در تبریز ادامه داشت، در هرات شاگردان بهزاد سبک استاد را تعقیب کردند، و خود بهزاد از سال (۹۱۶ هـ ۱۵۱۰ م) در تبریز بود و میتوان او را مؤسس مکتب نقاشی صفوی (در فارس) دانست. چندین نسخهء خطی و مینیاتور مفرد از دورهء شاه اسمعیل صفوی بمکتب هرات نسبت داده می شود از ان میانه سه مینیاتور در موزهٔ متروپولیتن و دو در کتابخانهٔ ملی پاریس موجود است که همهء آنها از

نسخهٔ خمسهء امیر خسرو بلخی (ثم دهلوی) است که در سنه (۹۰۹ هـ ۱۵۰۳ م) در بلخ نوشته شده و کار آن خصایص اسلوب بهزاد را در بردارد و اسلوب مکتب هرات در آغاز دورهء صفوی در دو مینیاتور و صفحهء اول کتاب گوی و چوگان عرفی که در سال (۹۲۹ هـ ۱۵۲۳ م) بوسیلهء خطاط مشهور علی حسینی در هرات نوشته شده بخوبی آشکار است، این کتاب در پاریس موجود است.

یکی از نسخ خطی دیوان حافظ در پاریس است که پنج مینیاتور دارد، و یکی از آن امضای شیخ زاده و دوی دیگر آن امضای سلطان محمد نور را دارد، که پسر و شاگرد سلطان علی مشهدی است و تاریخ آن رجب (۹۳۱ هـ ۱۵۲۵ م) است، این مکتب بهزاد را تعقیب میکرد.

اینک چند اثر دیگر مکتب بهزاد:

۱- دیوان میر علی شیرنوایی کتابخانهء پاریس تحریر (۹۳۲ هـ ۱۵۲۶ م) در هرات.

۲- خمسهء نظامی مؤرخ (۹۳۱ هـ ۱۵۲۵ م) موزهء متروپولیتن، که تصاویر این هر دو کتابرا بنابر شباهت سبک به شیخ زاده شاگرد بهزاد نسبت میدهند.

۳- دیوان مؤرخ ۱۵۲۶ م ۹۳۲ هـ کار سلطان محمد نور.

۴- خمسهء نظامی موزهء بریتانیا تحریر بین (۹۴۶ هـ ۹۵۰ هـ) برای شاه طهماسپ.

۵- نسخهء مصور شاهنامه مؤرخ (۶۴۹ هـ ۱۵۳۷ م) در پاریس که این هر دو کتاب را کار سلطان محمد دانسته اند. وهمین کتاب دارای دو مینیاتور بامضای دیگر شاگردان بهزاد است، میرک و مظفر علی و میر سید علی(۱۵)۰

مکتب نقاشی هرات در عهد صفویان در پارس و بعد از همایون درهند ادامه پیداکرد، و مطابق محیط های جدید خویش نشو و نما نمود، و کتابهای فاخر و نفیسی را نقاشی کردند، که از آنجمله رضا عباسی و آقارضا و شاگردان مکتب هنری ایشان مانند معین و یوسف و محمد قاسم (در پارس) و شاهقلی و ولیجان تبریزی در مملکت عثمانی سبک نقاشی تورکیه را بوجود آوردند.

مکتب نقاشی تورکیه هر چند منابع از مکاتب هنری اروپا نیز داشت، ولی هستهٔ مرکزی آنرا همان ادامهء مکتب هرات تشکیل میداد و تصاویر کار شاهقلی و ولی جان شاگرد سیاوش اکنون در موزه های معروف اروپا و امریکا به نظر می آیند که اشکال حوریان بالدار بهشتی درآن خیلی جالب است، و کتاب سلیمان نامه در همین سبک توسط فردوسی نام اهل بروسه برای سلطان بایزید دوم در حدود (۹۰۰هـ) نوشته شد و نسخهء دیگر آن محررهء (۹۸۷ هـ) در مجموعهء چستر بیتی لندن است، و نیز از نسخهء بی نامی (۳۰) شکل در موزهء متروپولیتن باقی مانده است که سبک هنری نقاشی تورکیه را نمایندگی میکند.(۱۶)

کمال تبریزی شاگرد میرزاعلی و شاه قلی از بقایای هنرمندان بهزاد نیز به ترکیه مسافرت کرد و در دربار سلطان سلیمان قانونی مقام بزرگی یافت (۱۷).

مآخذ:

(۱) نقاشی اسلامی از آ رنورلد.
(۲) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۱۲.
(۳) سروی هنر ایران ج ۵ تابلوی ۸۸۵
(۴) مینیاتور ایران از ساکسیان، تابلو ۷۵.
(۵) صنایع ایران ۱۰۸.
(۶) تاریخ صنایع ایران ۱۷۱.
(۷) میراث ایران ۲۴۷.
(۸) صنایع ایران ۱۱۳.
(۹) تاریخ صنایع ایران ۱۹۴.
(۱۰) راهنمای صنایع اسلامی ۵۶.
(۱۱) صنایع ایران ۱۱۵.
(۱۲) التصویر الاسلامی تابلوی ۲۰.
(۱۳) صنایع ایران ۱۱۶.
(۱۴) رهنمای صنایع ۵۵.
(۱۵) رهنمای صنایع ۶۳.
(۱۴) رهنمای صنایع ۳۶.
(۱۷) صنایع اسلامی ۱۳۰.

اثر مکتب هنری هرات بر فارس

هرات بمنزلهء مرکز تشعشع هنری آسیا مدتها باقی ماند و انوار هنر آن بر شرق و غرب و شمال تابید. دربار پارس و شاهان صفوی نیز مرجع هنر-وران گردید، و سبکی که ادامهء مکتب هرات بود، در خطاطی و نقاشی و مذهبی و مصوری بنام "مکتب صفوی" در پارس پرورده شد. از هنروران معروف و بقایای مکتب هرات در پارس سلطان محمد نور پسر و شاگرد سلطان علی مشهدی و شاه محمود نیشابوری و میر علی (حدود ۱۰۰۸ هـ) و علی رضای عباسی و محمود مذهب و مولانا یاری و میرک مذهب و پسرش قوام الدین مسعود و مولانا حسن بغدادی و مولانا عبدالله شیرازی شیخ زاده و خواجه عبدالعزیز و مظهر علی و میرسید علی و محمدی و سید میر نقاش و شاه محمد ودوست محمد میباشند که در تحریر و تذهیب شهرتی داشته اند. (۱) و از آثار ایشان تذهیب خمسهء نظامی ۹۴۹ هـ (موزهء بریتانیا) و سرلوحهء بوستان سعدی مؤرخ ۸۹۳ هـ ۱۴۸۸ م تذهیب

یاری (دارالکتب "المصریه) است که دران تصاویر مرغابی در حالت پرواز دیده می شود، ولی در روش مکتب صفوی همان صفا و لطافت رنگهای مکتب هرات موجود نیست و دقت در ترسیم و تزئین نیز از میان رفته است. (۲)

چون بعد از ضعف تیموریان هرات، استاد بهزاد به تبریز رفت، مکتب هنری پارس نیز بر پایهٔ کار این هنرمند و شاگردانش استوار شد و سلطان محمد نور با این استاد و همراهانش دوست و معاشر بود ولی اسلوب فنی بهزاد در هرات و تبریز تفاوت بارزی نداشته و فرق میان آثار فنی او در هرات و تبریز خیلی ساده و مختصر است. اما شاگردان او که از هرات به پارس رفته اند، محیط جدید در سبک و اسلوب ایشان تأثیر نمایانی داشته است. شیخ زادهء خراسانی شاگرد بهزاد با وی از هرات به تبریز رفت، یک اثر نقاشی در نسخهء خطی دیوان حافظ در مجموعهٔ نفیس کاتیه محفوظ و مجلس وعظی است که در سیمای اشخاص تأثیر نطق واعظ کاملاً نمایان است و نقاش توانسته است با کمال مهارت تأثیرات نفسی آنها را ظاهر و مجسم سازد و این نقاش کاملاً از اسلوب بهزاد و شاگردانش بهره مند بوده است. (۳)

داکتر کوهنل عقیده دارد، که ده تصویر از چهارده تصویر که در نسخهء خطی بسیار زیبائی از خمسهء نظامی که در سال ۹۳۱ هـ ۱۵۲۵ م بخط خوش نویس بزرگ سلطان محمد نور نوشته شده و فعلاً در نیویارک در موزهء متروپولیتن هست بقلم شیخ زاده کشیده شده است.

دیگر از شاگردان بهزاد خواجه عبدالعزیز است و از جمله آثار فنی وی تصویر یکی از شهزاده گان صفوی در مرقعات کتابخانهٔ توپ قاپوسرای استانبول است، که خواجه عبدالعزیز دران خود را از شاگردان بهزاد شمرده است، آقا میرک نیز از نقاشان بزرگ و شاگردان بهزاد است که پنج تصویر او در نسخهء خطی خمسهٔ نظامی محررهٔ سال ۹۴۶ و ۹۴۹هـ در موزهء بریتانیا هست، از تمام رسوم و آثار و ابنیه و گلها و شاخه ها و درختها که درین تصاویر موجود است بر می آید که میرک از روش و اسلوب استاد خود بهزاد اقتباس کرده، و حتی دربرخی موارد بر استاد خود برتری داشته است.

گویند که سلطان محمد بعد از بهزاد ریاست مکتب صفوی را داشت، و تصاویر وی در کتاب خمسهء نظامی سابق الذکر دیده می شوند، اسلوب این شخص واضح می سازد که میرک و سلطان محمد هر دو در مکتب بهزاد این فن را فرا گرفتند و بعد از سلطان محمد شاگردانش شاه محمد و میر نقاش کار های مکتب بهزاد را در پارس ادامه دادند و مظفر علی و میرزا علی و میر سید علی هم از شاگردان مکتب بهزاد اند، که سنن فنی او را زنده نگهداشته و امروز بسا از کار های ایشان در موزیم های دنیا محفوظ اند. محمدی فرزند سلطان محمد نیز از برازندگان این مکتب است، که آثار جاویدانش تا کنون دیده می شود.

و بعد از ایشان آقا رضا و رضا عباسی و معین و حیدر و محمد قاسم و محمد یوسف و محمد علی و میر افضل و حبیب الله و ملک حسین

و شاه قاسم و غیره از مشاهیر مکتب هنری پارس اند، که از ستارگان آسمان بهزاد شمرده می شوند. (۴)

مآخذ:

(۱) راهنمای صنایع ص ۸۰ و صنایع ایران ص ۷۷.
(۲) صنایع ایران ص ۷۷.
(۳) تابلوی ۳۶ التصویر فی الاسلام بحواله ص ۱۲۱ صنایع ایران.
(۴) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۲۰.

مکتب هنری هند

در نقاشی های هند بعد از فتح بابر (۹۳۲ هـ) نفوذ بهزاد و مکتب بخارا
بنظر می آید، چون همایون پسر بابر از پارس برگشت، وی دو نفر نقاشان
پارس خواجه عبدالصمد شیرازی و میر سید علی را که در تبریز به ایشان
آشنا شده بود، در سنه (۹۵۶ هـ ۱۵۴۹م) بکابل خواست، تا داستان امیر
حمزه را مصور سازند و این دو نفر استاد که از بقایای مکتب بهزاد بودند،
مکتب نقاشی مغولی هند را شالوده گذاشتند، و کتاب امیر حمزه اصلاً
(۱۴۰۰) قطعه نقاشی داشت که از انجمله برخی در موزه های اروپا و امریکا
دیده می شود.

اکبر که حامی هنر بود بوسیلهٔ این دو هنرمند مکتب نقاشی را در آگره
کشود که تا صد نفر نقاش هندی دران هنر می آموختند، بقول ابو الفضل
نسخ زیاد استادان نامی مانند بهزاد و میرک و سلطان محمد در کتابخانهٔ
سلطنتی هند فراهم آمده بود، کتاب هفت پیکر نظامی بتاریخ (۹۸۸ هـ

۱۵۸۰م) برای اکبر درین هنر کده به پیروی کار های بهزاد نوشته شد و نسخهء اکبر نامه چستر بیتی لندن که تصاویر آن بقلم هنرمندان هندی مانند دهرم داس، سنواله، شینکر، لعل، سورداس و نرسنگه و فرخ بیگ و موکند و گوردهن تهیه شده، و آمیزش سبک بهزاد را با مکتب هنری کشمیر و گجرات و پنجاب نمایش میدهد، از شاگردان این مکتب بساون و داسونتهه و منوهر نیز شهرت دارند، و کار ترجمهء فارسی مهابهارت از همین مکتب است.

در عصر بعد از اکبر منصور و مراد و منوهر و ابوالحسن پسر آقا رضا ملقب به نادر الزمان (نقاشان دربار جهانگیر) و فاخر الله و میر هاشم و هون هد و بیچیتر و انوپ چهاتر (نقاشان عصر شاه جهان) از بقایای این مکتب اند. (۱)

مکتب هنری بخارا:

در اواخر دورهء اوج هنری مکتب هرات، هنگامیکه مکتب صفوی و هندی ازین منبع فیاض منشعب میشد، در بخارا نیز سبک مهم نقاشی از همین سرچشمه بوجود آمده بود.

در حدود (۹۴۲ هـ ۱۵۳۵ م) نقاشان و خوشنویسان زیاد مکتب هرات در اثر انقلاب روزگار و سلطهء صفویان به بخارا و ماوراء النهر گریختند و در آنجا باسلوب مکتب هرات و مخصوصاً بسبک بهزاد کار خود را ادامه دادند، از آنجمله میر علی هراتی شاگرد زین الدین محمود از خطاطان مشهور هرات در سنه ۹۴۱ هـ ۱۵۳۴ م بدربار بخارا رفت و راه و رسم خوش نویسی مکتب هرات را در آنجا ادامه داد، وی نسخهء یوسف و

زلیخای جامی را بتاریخ ۹۳۰ هـ ۱۵۲۳ م در هرات نوشت که در بخارا مصور و مذهب شد.(۲)

از هنرمندان مشهور مکتب بخارا محمود مذهب شاگرد میر علی خطاط معروف و پیرو اسلوب بهزاد است، وی در الفت دادن بین اشکال و پوشاندن زمینهء تصاویر به ابنیه و کشیدن اشکال اشخاص و تقسیم آنها از روش بهزاد پیروی کرده و بعد از رفتن بهزاد به تبریز وی به بخارا رفته است.

از مشهور ترین آثار هنری محمود مذهب تصاویریست در نسخهء خطی تحفة الاحرار جامی که در بخارا نوشته شده، و نسخهء دیگر همین کتاب که تصاویر آن بامضای محمود مذهب است در مجموعهء هومبرگ کتابخانهء ملی پاریس دیده می شود.

در یک مجموعهء نقاشی کتابخانهء حضرت رضا در مشهد مناظر بزمهای عشقی کار همین محمود مذهب و شاگردش عبدالله موجود است که کاملاً سبک نقاشی بخارا دارد.

دیگر نمونهء کار محمود در مینیاتور دو صفحه یی مؤرخ (۹۰۳ هـ ۱۵۴۶ م) مخزن الاسرار نظامی کتابخانهء ملی پاریس بامضای اوست. که اصل کتاب در سنه (۴۹۹ هـ ۱۵۳۷ م) در بخارا بدست میر علی نوشته شده است و امتیاز این تصویر در تناسب آن و تباین رنگهایش می باشد.(۳)

دیگر نمونهء مکتب بخارا یوسف و زلیخای جامی است که میر علی حسینی در سال (۹۳۰ هـ ۱۵۲۳ م) نوشته، ولی مینیاتور های آن در حدود (۹۴۷هـ) ساخته شده، و نفوذ شدید مکتب بهزاد و هرات را میرسانند. هکذا یک بوستان سعدی و دیگر فتوح الحرمین محیی لاری نیز دارای تصاویر بهمین سبک اند.(۴)

دیگر از ناموران هنرمندان مکتب بخارا شیخ زاده شاگرد بهزاد بود و مینیاتورهای وی در بخارا بسبک کارهای آن استاد بزرگ است و بسبب رنگهای روشن قرمز خیلی مشهور اند.(۵)

عبدالله مذهب نیز از مکتب هرات وبه بخارا هجرت کرد، که تصاویرش خیلی کم و نادر بدست می آید، و شاید مشهور ترین آنها تصویر جوانی باشد که در زیر درخت پر گلی مشغول ساز نواختن است، این پرده اکنون در موزهء فنون نفیسهٔ لیبزیک میباشد.(۶)

از ممیزات مکتب بخارا یکی اینست که پوشاک سر اشخاص عبارت از کلاه ترک دار بلندیست که قسمت پائین آنرا عمامه یی پوشانیده است و دیگر صور اشخاص را بطور انفرادی و مستقل کشیده و هواخواهان نقاشی ازین تصاویر مرقعهای جداگانه را تشکیل میدادند. تزیین حواشی نسخه های خطی بانواع نقش و نگار های دو رنگ طلایی و نقره یی بر روی یک زمینهء رنگ آمیز نیز از ممیزات این مکتب است. (۷)

مآخذ:

(۱) راهنمای صنایع اسلامی ص ۶۹ ببعد و تاریخ صنایع ایران ص ۱۹۶ و صنایع ایران بعد از اسلام ص ۱۲۹.
(۲) راهنمای صنایع ص ۸۰
(۳) صنایع ایران ۱۱۸.
(۴) راهنمای صنایع اسلامی ۶۵.
(۵) تاریخ صنایع اسلامی ۱۹۷.
(۶) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۹۸.
(۷) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۱۸.

تذهیب

تذهیب کتب نیز از هنر های خیلی مهم دوره‌ء اسلامی است و از نسخ قرآن عظیم که از قرن چهارم تا ششم هجری در دست است پدید می آید، که نسخه های کتاب آسمانی را با بهترین و دقیق ترین رسوم و اشکال تذهیب میکردند و مذهبان که این کتب خطی را بعد از تحریر بانواع آرایش های هنری می آراستند در مرتبه از خطاطان و مصوران کمتر نبودند.

مذهبان، حواشی و صفحات اول و آخر و سر فصلها و عناوین کتب و اوایل سوره ها و احزاب قرآنی را با ستارگان و رسوم هندسی و گل و بوته و شاخه و برگها و گاهی با اشکال انسان و پرندگان و آهو و مرغابی و غیره تزیین می نمودند و مانند هنرمندان دیگر نام خود را بران کتاب با صفت "مذهب" می نوشتند، و برای این کار مصارف گزافی با مواد قیمتی از قبیل طلا و نقره و لاجورد و کاغذ عالی و الوان گوناگون میشد.

و قراریکه هنر شناسان رأی داده اند درین تزیینات تذهیبی مخلوطی از رسوم ساسانی و بیزانس و نبطی و کتب یهود و مسیحیان کلیسای شرقی اقتباس می شد.(۱)

تا کنون کتب خطی تذهیب شدهٔ قدیمتری را از دورهء سلجوقی یافته اند، که طریقهٔ جدول کشی در سطر های نوشته شده و تزیین حواشی خارج با اشکال و رسوم نباتی از ابتکار های همین عصر می دانند. در دورهء مغول مذهبان رنگهای طلایی و آبی و قرمز و سبز و پرتغالی را استعمال میکردند و رسوم و اشکال هندسی گوناگون را با ستاره های متنوع و اشکال مربع و مسدس و مثمن و دوایر مشبک و دیگر اشکال مملو از شاخ و بوتهء نباتات و صور انسانی و حیوانی می نوشتند، و دران منتهای دقت و استادی را نشان میدادند.

از نسخهء خطی شاهنامه بایسنقری موزهء گلستان (۸۲۳ هـ) که دران صورت مذهب نیز کشیده شده پدیدار است، که مذهب نیز در جملهء هنرمندان دیگر آبرو و مقامی در خور اهمیت داشته است. (۲) در دورهء تیموریان هرات بر اهمیت رونق تذهیب افزوده شد، که همان نسخهء شهنامهء بایسنقری این هنر را در نهایت اوج نشان میدهد و از مذهبان معروف اکادیمی هرات مولانا تاج محمد نقاش و مذهب بود که در علم حبل (جراثقال) و میکانیک و چینی سازی هم دستی داشت، و امیرخلیل و میرک نیز ازین جمله اند. (۳)

باری تذهیب از خصایص بسیار جالب مکتب هنری هراتست، که بعد از آن به پارس و هند و بخارا نیز سرایت کرده و تقلید شده است و در افغانستان بسا کتب خطی هرات بنظر می آیند که نمونه های خوب تذهیب و تزیین بشمار می آیند.

مآخذ:

(۱) صنایع ایران بعد از اسلام ۷۴.
(۲) صنایع ایران بعد از اسلام ۷۶.
(۳) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۷۶ بحواله مصوری دراسلام تألیف آرنولد ص ۲۳۹.

صحافی و جلد سازی

اما هنر صحافی و جلد سازی کتب نیز در قرن نهم هجری در هرات باوج خود رسیده بود، از بهترین کار های صحافی و تجلید کتب که تا کنون بوجود آورده شده صحافی های مدرسهء هرات دورهء تیموریست که صنعت صحافی و چرم کاری بحد کمال رسید و دارای طرحهای عالی است که دران نهایت دقت و مهارت بکار رفته است. قسمت خارجی معمولاً دارای تزیینات فشاری است، در حالیکه در قسمت داخلی طرحهای زیبای بریده شده، روی زمینهٔ آبی رنگ قرار داده شده است، و نمونه های خوب صحافی و تزیینات جلد کتاب در نسخه هـای مورخ ۸۴۱هـ ۸۴۹ هـ کتابخانهء توپقاپو سرای استامبول، و خمسهء نظامی مؤرخ ۸۵۰ هـ متروپولیتین موجود است.

در قرن ۱۵ و ۱۶ صنعت کتب ممالك اسلامی را در ایتالیا و مخصوصاً در شهر وینز تقلید میکردند و بدین وسیله بسیاری از نمونه های شرقی در طرحهای اروپا راه یافت و صنعت جلد سازی و طلا کوبی بسبك اسلامی در تزیین جلد کتاب در اروپا شایع شد. (۱)

اگرچه درین دوره هرات در فن جلد سازی و صحافی گوی پیشی را ربوده، اما غیر ازان مراکز دیگری نیز وجود داشته که مهمتر از همه در خراسان و سمرقند و مرو و مشهد و بلخ و نیشاپور بود. (۲) و جلد سازان بر خلاف روش های قدیم که در تزیین بکار میرفت برای تزیین جلد ها مناظر طبیعی و اشکال حیوانات و پرندگان حقیقی و خرافی را در نهایت دقت و اتقان بکار بردند. این هنرمندان فشار با ابزار های ساده را برای ترسیم اشکال هندسی و شاخه و بوته در روی جلد ترك کردند، و قالب های فلزی را که هر کدام دارای شکل مستقلی بود بکار برده و با آنها بجلد فشار وارد آوردند، و در اثر این فشار اشکال نباتات و حیوانات را وشکل آدمی را بطور برجسته در روی جلد نمایان می ساختند. صحافان و جلد سازان مکتب هنری هرات از نیمهء قرن دهم هجری (۱۶ م) برای تزیین جلدها اشکال و رسم های لاکی را نیز بکار بردند، و قدیمترین جلد های این نوع کتابها در سال ۹۲۱ هـ ۱۵۲۵م است که از حیث رنگ آمیزی خیلی زیبا و ممتاز است و رنگهای مشکی و طلایی زیادتر بکار رفته است.

نباید فراموش کرد که مکتب هرات در فن جلد سازی تأثیر زیادی نسبت بسایر مراکز فنی داشته و رفت و آمد هنر و ران بدان شهر فراوان بود

و اکادیمی هنری هرات که در سال ۹۱۳ هـ ۱۵۰۷ م با هجوم شیبانی خان منحل شد، اغلب هنروران آن بمراکز دیگر فنی در هند و پارس و دربار عثمانی هجرت کردند.

باید دانست که این جلد های هزلها، که در دقت و نکات فنی و صنعتی یکی از معجزات فن آن بود تنها منظور از ساختن آنها این نبود، که بمنزلهء غلافی باشد که کتاب را بدان حفظ کنند، بلکه خود آنها جزئی از اجزاء گرانبهای کتاب بشمار میرفتند، و کتاب با وقایهء خود در محفظه یی از دیبا یا مخمل یا صندوق چوبی حفظ می شد. (۳)

اشکال نباتی:

دورهء غزنوی بظریف کاری در تزیینات نباتی که از شاخه و ساقه های ممتد تشکیل می شد امتیاز خاصی داشته و با توازن و تناسب بسیار دقیقی که نمونهء کاملی از ابداع و قدرت نمایی در کشیدن اشکال ((ارابسک)) است آنها را نمایش داده است.

در اشکال نباتی و گلها و درخت هایی که از مکتب هرات در تصاویر یا بر روی خزف و یا منسوجات و پارچه های گرانبهایی که در قرن دهم و یازدهم هجری ۱۶- ۱۷ م می بینیم، ظرافت عناصر نباتی پدیدار است.

در حقیقت اشکال نباتی که در تزیین صنایع بکار میرفت از قرن ۸ هجری (۱۴م) بسوی تکامل رفته و نمونهء صادقی از نباتات طبیعی و حقیقی شده و هنرمندان درین میدان به منتهی درجه موفقیت رسیده اند و شاید براثر تأثیر فنون وروشهای چینی بود، که بوسیلهء مغولها آمده است.(۴)

گرانبها ترین کتب دنیا:

در موزهء گلستان تهران نسخه یی از شاهنامه بخط جعفر بایسنقری موجود است که در سال ۸۲۳ هـ ۱۴۲۹ م نوشته شده این نسخه از شاهکار های نقاشی این مکتب است، که ۲۲ مینیاتور این کتاب، نقاشی هرات را در اوج ترقی خود نشان میدهد.

از صفات ممتاز این تصاویر رنگ آمیزی درخشان و دقت در جزئیات است، که مختص نقاشی آن عصر میباشد.(۵)

از لحاظ تذهیب و تزیین نیز این نسخه عالیترین کار مکتب هرات است که تذهیب کاریهای رنگ آن توسط هنرمندان درباری انجام یافته و طرحهای گل و گیاه این تذهیب نمونهء دقت در جزئیات و شفافی رنگ است، بطوریکه نظیر آن فقط در میناتور کاری دیده می شود.(۶)

معاون آثار عتیقهء مشرق زمین در موزهء بریتانیا پروفیسور د، برت دربارهء این کتاب نفیس می نویسد:

بایسنقر میرزا پسر شاهرخ (متوفی ۸۴۶ هـ) هنرمندان را از سراسر امپراطوری تیموریان در دارالعلم هرات گرد آورد، درین شهر بود که کاغذ ساز، خطاط، تذهیب کار، صحاف، رنگ ساز، نقاش، شیرازه کار در تهیهء کتابهایی که میتوان بعضی از آنها را از عالیترین کتابهایی که در تاریخ بشر ساخته شده دانست همکاری میکردند و شاهنامهء بایسنقری (۸۲۳ هـ) را بوجود آوردند. که خطاطی و تذهیب و نقاشی فقط جزئی از تمام کتابست. صحافان نیز از نظر هنر از همکاران هنرمند خود عقب نماندند و نفیس ترین جلدی برای آن ساخته اند. و حتی نمونه های این

تجلید خراسانی مورد تقلید جلد سازان اروپا گردید، و این کتاب معرف عالیترین مرحلهء کمال کتاب سازیست.(۷)

گویند صورت بایسنقر میرزا که این نسخه باو تقدیم شده است با صورت نویسنده و مذهب و نقاشی که دران کار کرده اند درین نسخه موجود است. (۸)

امتیاز این نسخه در اتقان تصاویر و ابداع در تزیین و استادی در رسم حوادث است بطوریکه روحانیت مخصوصی بآنها بخشیده است و مخصوصاً در تماسک اجزای رسم و وحدت تالیف بین آنها و تنوع در مناظر و خالی بودن از مکررات ملال آور مکتب های تبریز و شیراز و مراعات کمال دقت در کشیدن اسپها و بوته ها و گلها و پرندگان و زینت لباسهاست و توجه خاصی در رسم تفاصیل داستانها و نمایاندن انواع تحف از قبیل قالی و ظروف و غیره شده است. (۹)

مآخذ:

(۱) راهنمای صنایع اسلامی ۸۹
(۲) صنایع ایران ۱۶۴.
(۳) صنایع ایران ۱۴۶ ببعد.
(۴) صنایع ایران بعد از اسلام ۲۸.
(۵) راهنمای صنایع اسلامی ۵۵.
(۶) راهنمای صنایع اسلامی ۸۳
(۷) میراث ایران ص ۲۴۵.
(۸) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۷۶.
(۹) صنایع ایران بحواله سروی آرت ایران ۳: ۱۸۵۱.

فلز کاری و ترصیع

صنعت ترصیع اشیای برونزی باساس فلزات از قبیل مس و نقره از عصر سلجوقی در خراسان وجود داشته و بالاخره ترصیع کاری ارزش هنری پیدا کرد و اسلوب ابتکاری هرات و نیشاپور و سیستان و مرو که مراکز مهم فلزکاری بودند بتدریج به سایر ممالك راه یافت. (۱)

فلزکاری مانند دورهء قبل سلجوقی از برنز یا مفرغ بوده وترصیع و خاتم کاری از عوامل تزیینی عمدهء آن بود، که اینک چند نمونهء کار هرات و خراسان موجود است:

۱- در موزه هرمیتاژ شوروی قدیمی ترین نمونهء ترصیع کاری یک قلمدان برنجی دارای ترصیع مس و نقره بصورتهای کوچک و پرندگان کوچک و شاخ و برگ موجود است که مربوط بسال (۵۴۳هـ ۱۱۴۸ م) در خراسان باشد. (۲)

۲- مهمترین اثری فلز کاری مرصع هرات بی شک سطل مدور دسته دار موزهء هرمیتاژ است که بموجب کتیبهء آن در سال (۵۵۸ هـ ۱۱۶۳ م) در شهر هرات بوسیلهء محمد بن الوحید ریخته گر و مسعود بن احمد قلم زن برای یکی از تجار شهر زنجان ساخته شده است. و ازین معلوم است که این صنعت دران زمان در هرات سازمان مفصلی داشته و به شهر های دیگر صادر میشد، نقشه های این ظرف عالی از نقره و مس درست شده و پنج ردیف است، دو تای آن مجالس شادی دربار و شکار است، و بقیه مزین با خطوط کوفی و نسخ میباشد و قسمت عمومی خط نسخ، تبدیل ببدن و سرو کلهء آدمک هایی گردیده که بسیار دلپذیر و دقیق اند (۳) و اشکال جنگجویان و شکار چیان و مناظر جشن مردان را در حالت نوشیدن و بازی نشان میدهند و صور رقاصه ها و نوازندگان نیز بران دیده می شود و کتیبه های کوفی و نسخ آن که بشکل بدن انسانی آورده شده ابتکار خراسان است و ازین ظرف مصنوع هرات میتوان یک مکتب جداگانهء ترصیع برنز و مس را تشخیص داد. (۴)

۳- ابریقی که در مجموعهٔ مورگان بود، نمونهء خوبی ازین گروه خراسانی است. بدنهء آن دارای تزیینات متشابک است که در انتهای آنها سر حیوانات مختلف نقش و به دوازده قسمت تقسیم شده، که روی آن اشکال بروج فلکی و کواکب و سیارات کشیده شده است. تزیین گردنهء کتیبه کوفی و نسخ است که عیناً مانند آثار دیگر هرات، انتهای حروف بشکل سر انسان در آورده شده است و میتوان گفت که این ظرف در خراسان ساخته شده است. (۵)

۴- ابریقی در موزهء تفلیس موجود است که با نقره و مس ترصیع شده و تاریخ آن (۵۷۷هـ ۱۱۸۱ م) است، که امضای سازندهء آن محمود بن محمد هراتی بران نوشته است. (۶) بدنهٔ این ظرف شیار شیار است و بر روی شانهٔ آن بروج دوازده گانه نقش شده و خصایص کاملاً خراسانی را دارد.(۷)

۵- دیگر از آثار هنری خراسان که خصایص صنعت هرات را دارد، قلمدانی است در گالری فریر در واشنگتون که سازندهٔ آن شاهی نامداشت و در (۶۰۷ هـ ۱۲۱۰ م) برای مجدالملک مظفر وزیر اعظم خراسان در مرو ساخته شده و اسلوب تزیین و نوع کتابت کوفی و نسخ همانست که بشکل سر انسان و حیوان کشیده شده و در فلز کاریهای هرات مروج بوده است، و بهمین سبک یک جام برنزی در موزهء متروپولیتن نیز موجود است. (۸)

مآخذ:

(۱) راهنمای صنایع، ص ۱۴۱.

(۲) میراث، ص ۲۲۲.

(۳) میراث، ص ۲۲۲.

(۴) راهنمای صنایع، ص ۱۴۲.

(۵) راهنمای صنایع، ۱۴۲.

(۶) راهنمای صنایع ص ۱۴۲.

(۷) میراث، ص ۲۲۳

(۸) راهنما، ص ۱۴۴.

منسوجات

باید گفت که دوره‌ء سلجوقی ارتقای صنعت بافندگی بوده است که دو عامل مؤثر داشت یکی تعالیمی که بواسطه‌ء سلجوقیان از سبکهای چینی فرا گرفته اند و بر اثر آن ترسیمات دقیق نباتات و پرندگان و حیوانات در اشکال تزیینی آنها تجلی نمود، دوم اسالیب اسلامی که در بلاد بین النهرین متداول بود، و فروع بوته های نباتی و حواشی را بجای موضوعات تزیینی ساسانی بکار برده اند. (۱)

از مراکز نساجی قبل از دوره‌ء مغول خصوصاً هرات شهرت داشت و مغولیان در هرات و نیشاپور به ارباب صنایع اذیت کمتر رسانیدند، در یکی از موزه های شهروین مجموعه یی از منسوجات ابریشمی دوره‌ء مغول موجود است که جزو کفن روولف چهارم دوک اتریش بود و بران اشکال پرندگان بزرگی است که بر زمینه‌ء اطلسی بافته شده و روی یکی از آنها کتابتی با خط نسخ درشت بنام سلطان ابو سعد (۷۱۷\ ۷۳۶ هـ) موجود است. (۲)

شهر های خراسان از قبیل سمرقند وهرات در عصر تیموریان مراکز مهم بافندگی بود، که امراء و شاهان می پوشیدند، و بهترین پرده هاو فرشها و بالش و متکاهارا ازان درست میکردند، و سبک تزیینات دورهء تیموری در کثرت اشکال نباتات متصل با طلا و نقره واشکال پرندگان مطابق روش چینی بر پارچه های مخملی بسیار عالی است، که یکی از جهانگردان ایتالیا آنرا دیده بود. چون بین دربار های تیموریان و شاهان چین روابط سیاسی و اقتصادی بر قرار بود، بنابران اثر صنایع چینی در هنر های زیبای خراسان بخوبی دیده می شود، و حتی در (۸۲۳ هـ و ۸۲۶ هـ) چون هیأت اعزامی دربار هرات به چین رفت، غیاث الدین نقاش مشاهدات خود را که متضمن معلومات زیادی در بارهء ابنیه و البسهء چین بود، گزارش داده است. و بنابران دورهء تیموریان در تکمیل موضوعات تزیینی و نقش و طرح پارچه ها، لطافت و زیبایی خاصی یافته و ازان حالت ابتدایی و خشونتی که در پارچه های عهد ساسانی و صدر اسلام دیده میشود رهایی یافته است.(۳)

همانطوریکه هرات پرورشگاه صنایع نفیس در دورهء تیموری بود، در عصر صفویان نیز یکی از مراکز مهم بافندگی و نساجی بشمار میرفت. و روش های نقاشی مکتب بهزاد چه در خراسان و چه در پارس در تزیین منسوجات نیز بکار افتاد و بر بسا پارچه های بافتهء عهد صفوی که اکنون نمونه های آن باقی مانده، در نقاشی و تصاویر بافندگی آن اثر صنعت سلطان محمد و محمدی و رضا عباسی از بقایای پیروان مکتب بهزاد دیده میشود.(۴)

مآخذ:

(۱) صنایع ایران ۲۳۱.
(۲) سروی آرت ایران ج ۶ تابلوی ۱۰۰۳.
(۳) صنایع ایران ۲۴۰.
(۴) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۲۴۳.



قالین بافی

قالین بافی از هنر های قدیم خراسان بود. ا.س. ادواردز که عمری را در قالین شناسی مشرق زمین بسر برده در فصل خاص قالی کتاب میراث ایران، دلایلی را می آورد که هنر قالی بافی قبل از نفوذ عناصر تورکی و هجوم اقوام مغول در سرتاسر خراسان رواج داشت و اکثر جغرافیا نویسان عرب و عجم از صنعت قالی بافی در خراسان از زمان قدیم و اوایل دورهء اسلامی یادی کرده اند. (۱)

و بقول .ی.گدار. نمونه هایی از قالین عهد ساسانی نیز در دست است. (۲)

م. س. دیماند در بارهء قالین بافی خراسان معلومات مغتنمی می دهد و گوید:

مارکوپولو که در حدود (۶۶۹ هـ ۱۲۷۰ م) به آسیای صغیر مسافرت کرد. میگوید که زیباترین و عالیترین قالینهای دنیا بوسیلهء هنرمندان یونانی و ارمنی در بلاد ترکمن بافته می شود.(۳) و ازین آشکار است که

در بلاد شمالی افغانستان و خراسان صنعت قالی بافی در کمال عروج وجود داشت. دیماند گوید:

از قالیهای مشهور و جالب توجه که نقش گل و برگ نخلی و شکل ابر بسبک چینی دارند این نوع قالی که نمونه های زیادی ازان در موزه ها و مجموعه های خصوصی یافته میشود. اشتباه باصفهان نسبت داده میشوند. در صورتیکه در حقیقت متعلق به هرات و مشرق ایران است. در کار های نقاشان هلندی و اسپانیایی اواخر قرن ۱۶ و ۱۷ تصویر اینگونه قالیها دیده می شود. اولریوس که با سفیر دوک هلشتین- گوتورپ در حوالی سال ۱۶۳۷ م (۱۰۴۷ هـ) بایران آمده، مینویسد که زیباترین قالیهای ایران در هرات خراسان بافته میشد. شهرت خراسان برای نفیس بودن قالیهایش از طرف دیگران نیز تائید گردیده و در قرن ۱۶ و ۱۷ هرات مرکز عمدهء قالی بافی خراسان بود. (۴)

در قالیهای قرن ۱۷ نوع هرات، نقش همان نقش قرن ۱۶ است ولی قدری درشت تر شده و در عصر صفویان هم هرات یکی از مراکز عمدهء این فن بود و حتی در مینیاتور های کتب مصّور دورهء تیموریان اشکال این گونه قالیها به نظر می آید و از خصایص آن برگهای بزرگ دندانه دار است و حتی در هندهم ازین نوع قالی اقتباس کرده بودند. (۵) قدیم ترین نمونهء قالی بسیار زیبای خراسانی در موزهء پولدی پدزولی شهر میلان از قرن دهم هجری (۱۶ م) موجود است که آنرا یکنفر خراسانی ساکن جام ساخته و این بیت بران نوشته است:

شد از سعی غیاث الدین جامی   بدین خوبی تمام این کار نامی (٦)

در قرنهای ۹ تا ۱۱ هـ نقاشان به کشیدن تصاویر کتب خطی اکتفا نکرده و نفوذ خود را در سایر انواع فنون مانند تزیین عمارات و مصنوعات چینی و پارچه ها و قالیها نیز بکار برده اند مهمترین نقاشانی که در نقشه کشی قالی کار کرده اند: بهزاد و سلطان محمد و سید علی اند. (۷) دکتور زکی محمد حسن مصری راجع به قدمت صنعت قالی بافی افغانستان گوید:

اگرچه تاریخ قالی های معروف راجع به دوره‌ء سلجوقی است ولی از مصادر ادبی و تاریخی بر می آید در قرن پنجم هجری (۱۱ م) قالیهای نفیسی در دربار سلاطین غزنوی بوده است (۸) و تصاویر فرشهایی که در مشرق ایران خصوصاً آنهایی که منسوب به هرات اند در تابلو های فنی اروپائیان در اواخر قرن دهم هجری (۱۶ م) زیاد کشیده شده است. (۹)

در انواع قالی، قسم گلدار هراتی در خراسان شهرت داشت که منسوب به قرن ۱۰ و ۱۱ هـ (۱۶ و ۱۷ م) است نقشه‌ء این قالیها عبارت از سبزه و گیاه و بادزنهای نخل بوده و زمینه‌ء قالی های هرات لاکی رنگ و حاشیه‌ء آن سبز میباشد که در قرن ۱۱ هـ بادزنهای نخل آن بزرگتر از سابق بوده و در اصل نقشه برگهای بلند و مقوسی هست و ازین پدید می آید که خراسان و هرات از زمان غزنویان یکی از مراکز عمده‌ء فنی بود.(۱۰)

یک عده سجاده به دورهٔ صفوی نسبت داده میشود نقشه‌ء اصلی آنها آیات قرآن است که بعضی بخط نسخ و برخی بخط کوفی نوشته شده و نکات دیگر نقشه و رنگ آمیزی آنها شبیه به قالی بافت تبریز است ولی متخصصین در محل بافت آنها موافقت ندارند و عده یی آنرا بافت هرات میدانند.

از قالیهایی که به هرات نسبت داده شده عده ایست که نقشه‌ء آنها گل و موپیچ پیچ میباشد که در اطراف گل عباسی بزرگ کشیده و آن

عبارتست از طرح گلی که دور آن حلقه یی مدور یا بیضوی شکل از برگ دارد. در قالی های هرات نقش ماهی نیز دیده میشود که به برگ بلندی شباهت دارد. یک قالی این سبک در خزینهء امام رضا در مشهد هست که به حدود (۹۰۰ هـ) تعلق دارد.

قالیهای هرات در طرح قالیهای هندی نفوذ مهمی داشته اولیاریوس المانی که در زمان شاه عباس بایران آمده مینویسد که بهترین قالیها در هرات بافته میشد یک قسم قالیها را در اروپا و امریکا بنام قالی گلدانی میخوانند، زیرا نقشهء بعضی از آنها گلدانیست که ازان شاخ و برگ بیرون می آید. گلهای عباسی و اشکال گل و برگ که در این نوع قالی دیده میشود شبیه به نقشهء قالیهای هرات است. (۱۱)

مآخذ:

(۱) A. C. Edwards

(۲) میراث ایران ص ۳۶۰ به بعد.

(۳) تمدن ایرانی ص ۲۹۱

(۴) راهنمای صنایع اسلامی ۲۵۸.

(۵) راهنمای صنایع ص ۲۵۷ به بعد.

(۶) سروی آف پرشن آرت ج ۲ ص ۲۴۳۷ و کتاب قدیم ج ۲ تابلوی ۲۲.

(۷) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۱۵۷.

(۸) همین کتاب ص ۱۵۹.

(۹) همین کتاب ص ۱۶۳.

(۱۰) همین کتاب ص ۱۶۹.

(۱۱) تاریخ صنایع ص ۱۹۲ به بعد.

ابنیه

امیر تیمور معماران، نقاشان و صنعتگران را از نواحی مختلف گرد آورد و به پایتخت خود سمرقند برد، این عده در ساختمان و طرح بناء سبکی ایجاد نمودند که با وجود اینکه صنعتگران آن از نواحی مختلف آمده بودند آن سبک کاملاً خراسانی بود. ساختمانهای سمرقند همه عظیم و دارای تزیین و آرایش عالی بودند.

مسجد گوهر شاد مشهد که ازین ابنیه است به نظر بعضی از باستان شناسان در زمرهٔ دوازده عالیترین بنای تاریخی دنیا بشمار میرود که در حدود ۸۲۱ هـ بنای آن تمام شد و به دوازده سال در تحت نظر قوام الدین معمار معروف انجام یافت.

سر در این مسجد یک طاق عظیم کاشی کاری میباشد که در طرفین آن مناره است و بجای اینکه مطابق معمول روی دیوار بنا شده باشند تا سطح زمین امتداد یافته اند. زیبایی کاشی کاری آن حیرت آور است و سر

در عظیم را کتیبهء مفصلی از کاشی احاطه نموده که دران بایسنقر محاسن و تقوای مادر خود. گوهر شاد را تمجید میکند.

داخل ایوان کاملاً سفید و ساده است و کتیبهء هایی زیر گنبد عظیم دارد. این مسجد بسبک چهار ایوانی ساخته شده در کاشی کاری ایوان رو بقبله برنگ قرمز بیشتر اهمیت داده شده و در ایوان های طرفین رنگ فیروزه، آبی و سبز بیشتر دیده میشود، همه دارای موزائیک های کاشی است که از حیث ترکیب قابل توجه است. گنبد پیازی شکل و رنگ آن سبز تیره است و کتیبهء بزرگ سیاه دارد و این مسجد یکی از شاهکار های معماری دنیاست.(۱)

در قریهء طیبات نزد یک مرز فعلی ایران و افغان ساختمان مزار مولانا شیخ زین الدین است که روی سر در آن چند کتیبه است که دارای خصایص عصر تیموریان بوده و در داخل آن کتیبهء بزرگی است با کاشی سفید روی زمینهء آبی که اسم شاهرخ بهادر با کاشی زرد رنگ دیده میشود. در تربت شیخ جام بین مشهد و سرحد افغان بعضی ابنیهء مقبره ها متعلق بزمان تیمور است و مقبرهء گوهر شاد در هرات بناییست مربع شکل که گنبد آن سه مرتبه دارد.

گنبد اولی برای تزیین زیر گنبد به کار رفته و گنبد وسطی برای نگهداری و گنبد خارجی که به دنده های مدور متصل شده با کاشی آبی رنگ پوشیده شده است.

این مقبره سابقاً به بنای دیگری وصل بوده است و هفت مناره‌ء بسیار بزرگ بلند در نزدیکی آن قرار دارد. دو تای آن به مصلای معروف تعلق داشته که گوهر شاد آنرا ساخته یکی به بنایی که وصل مقبره بوده و چهار مناره‌ء بزرگ که با تکه های بزرگ سنگ مرمر و کتیبه ها و کاشی کاریهای دارای طُرحهای مکرر زینت یافته و نشان میدهد که معماری و تزیین عصر تیموریان تا چه درجه زیبایی و عظمت داشته است.

در دوره‌ء سلجوقی به ساختمان و آجر کاری بیشتر اهمیت داده میشود ولی در عصر مغول و تیموریان در تزیین بیشتر دقت شده و رنگهای گوناگون در بنا های عظیمی که با کاشی های الوانی که در تمام تاریخ دنیا نظیر ندارد، ظاهر میگردد.

مأخذ:

(۱) تاریخ صنایع ص ۱۸۴.

نجاری

یک قسمت در های چوبی که راجع به قرن پنجم هجری (۱۱ م) میشود در مقبرهء سلطان محمود غزنوی بود که اکنون در هندوستان در قلعهء آگره میباشد این در ها منبت کاری است و ازین حیث خیلی شبیه است به آثار چوبیی که در ترکستان غربی کشف شده است. (۱)

سطح خارجی این در ها نیز منبت کاری است و با اشکال ستاره یی چوبی که فوق العاده زیبا و با دقت ساخته شده مزین می باشد. (۲)

حقیقةً این اشکال و تزیینات بهترین دلیل بر مهارت و استادی هنرمندان آن روز است و دقت و استادی آنها ازین آثار متجلی است و ثابت مینماید که در تنوع اشکال و ظاهر نمودن با بر جسته کردن مواد تزیینی تاچه حدی موفقیت داشته اند و این تنوع بحدی است که سطح را متعدد جلوه میدهد و چنان نمایش میدهد که سطوح متعددی از خلال

همدیگر نمایانست و یاروی همدیگر متحرك است و اگر چنین شهکاری را در های مقبرهء سلطان محمود داشته باشد جای شگفتی نیست، زیرا شهر غزنه در قرن پنجم هجری یکی از مراکز مهم فرهنگی بوده است و فنون و صنایع دران شهر رونق خوبی داشته و پیشرفت مهمی نموده و طرز فنی مخصوصی در انجا بوجود آمده که از حیث تکامل و موضوع تزیینات خیلی قابل توجه شده است. (۳)

مآخذ:

(۱) سروی آرت ایران ج ۶ ص ۱۴۶۲.
(۲) صنعت اسلامی از جی. میگون ج ۲ ص ۲۹۳ شکل ۱۱۳.
(۳) صنایع ایران ص ۲۷۸

